



((من به ارتباط با آمریکا خوشبین نیستیم چون سیاستهای ابلاغی آمریکا با سیاستهای اعمالی آنها متفاوت است))

دکتر کنعانی مقدم تحلیلگر مسائل سیاسی و دبیر کل حزب سبز



عمل می کنند. و در منطقه در بحث نفوذ در گروه‌های مقاومت و در کشورهای منطقه، تلاش می کنند و این را می دانند که ایران حاضر نیست نرمشی به خرج بدهد و یا معامله ای کند. لذا سعی می کنند با نزدیک کردن خودشان به گروه‌های مقاومت و برداشتن برخی فشارها عملاً ایران را خلع سلاح کنند.

من به شعارهای آمریکا اعتمادی ندارم و باید دید سیاستهای اعمالی آنها در واقع چگونه خواهد بود؟

اگر آمریکا در پی توسعه طلبی رژیم صهیونیستی وارد یک موازنه قدرت بشود شاید بتوان گفت آمریکایی‌ها از سیاست های آینده خودشان از حمایت از رژیم صهیونیستی و مردم آزادی خواه منطقه دست بردارند آنها را به حال خود رها کنند تا به استقلال و آزادی برسند.

سوال ۳- برای انتخابات ۱۴۰۰ چنانچه سیاستهای اعمالی آنها با ایران یک سو یک سو بود و در موازنه قدرت در جمهوری اسلامی سطح تعادل رسیده ایم وظیفه دولت آینده چه اصولگرا و اصلاح طلب را در چه موفقهایی بر می شمارید؟

پاسخ: مهمترین مشکل ومسائل داخلی کشور مسائل اقتصادی است و بعد از آن مسائل بین المللی. و دیگر اینکه دولت آینده باید کابینه ای را که ر معرض افکار عمومی قرار می دهد در مینه رفع تحریمها ومشکلات اقتصادی ومسئله برجام کوشش نماید.

از طرف دیگر گره خوردن این مشکلات به مسائل بین المللی و منطقه‌ای سبب خواهد شد دولت آینده در وضعیت دشوار و پیچیده ای قرار بگیرد که نیازمند یک راهکار عملیاتی و اجرایی بسیار خوب خواهد بود.

مثلاً اگر حاکمیت خواهد برسد به سمت توسعه بارانترهای مشکل آفرین مشخصی یا آن‌ها باید حل بشود، رابطه ما با اقتصاد جهانی مشخص شود که چگونه رابطه ای است آیا ما می‌خواهیم ارتباط قوی با جهان داشته باشیم یا نه؟ آیا می‌خواهیم ارتباط داشته باشیم مانی ومشخصه هایی وجود دارد که ما باید مشخص کنیم که این مشخصه ها و مانی را می‌خواهیم حل کنیم یا نه؟

به نظر من اولویت امروز کشور توسعه نیست.

۲- کلیات بودجه از طرف مجلس به دولت در شرایطی که نزدیک به انتخابات ۱۴۰۰ هستیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
ایا این نگاه اصولگرایان به برترنگه انتخابات است یا اینکه راهبرد اقتصاد سیاسی مجلس و برای همراهی با دولت جهت گذراندن موفقیت آمیز عمر دولت ارزیابی می‌کنند گزیرا که واکنش دولت با بیان این که دولت همچنان متعقد است لایحه بودجه ارائه شده به مجلس منطبق بر اقتضات اقتصادی کشور بوده است و اصلاحیه دولت به دور از تنش و در ارضای بررسی شده و در کوتاه‌ترین زمان به رای گذاشته شود.

پاسخ: نه به نظر من این نیست در حدی است که بخواهند به گونه‌ای دولت را به چالش بکشند. اما مسئله نالیدی در کار است. ببینید واقعیت کلیات بودجه ابراد دارد این را اقتصاددانان نیز هشدار داده اند و نیازمند بازسازی و اصلاحات جدید و مسئله نالیدی در کار است. اما مجلسی که روی این است متأسفانه تخصص و دقت نظرا در موضوع نداشته اند. مثلاً نمایندگان نمی‌دانند کلیات کدام بودجه را رعایت کرده‌اند، یک بودجه بودجه اصلاحی بوده که در مجلس آماده شده بود و یک بودجه لایحه بودجه ای بود که دولت به مجلس برده بود و مجلس برده بود و مجلس تخصص کافی در این امر اقتصادی مهم را نداشتند.

ادامه صفحه ۲

گفتگوی نشریه پناه مردم با دکتر کنعانی مقدم
تحلیل گر سیاسی و دبیر کل حزب سبز ایران
سوال ۱- در رابطه با خروج حوثی‌ها از فخرست تروریست‌ها توسط دولت آمریکا تحلیل شما چیست؟ و دیگر اینکه آیا آمریکا رویکرد تعامل محور با دولت ایران پیدا کرده است و این که نگاه دولت به این چراغ سبز آمریکا مثبت باشد یا منفی وظیفه دولت در آینده از دیدگاه شما چه می‌تواند باشد؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحیم به نظر من به نظر می‌رسد که دولت جدید آمریکا در رابطه با محور مقاومت در منطقه غرب آسیا نقشه‌های جدیدی را طراحی کرده و یکی پس از دیگری اجرا می‌نماید.

سیاست‌های اعلامی آمریکا با سیاست‌های اعمالی آمریکا کاملاً متفاوت است

یکی اینکه کمک‌های بیشتر دوستانه به فلسطین انجام داد و در یمن حوثی‌ها را از لیست تروریسم خارج کرد و در افغانستان مذاکره با طالبان انجام داد و در عراق رویه نیز همین‌طور است و به نظر می‌آید که آمریکایی‌ها به دنبال این هستند میزان نفوذ و تاثیرگذاری ایران را در کشورهای که جبهه مقاومت هستند کاهش دهند و عملاً ایران را در مذاکرات آینده خلع سلاح کنند و لذا هیئت اقتصادی به اقدامات آمریکایی‌ها وجود ندارد و سیاست‌های اعلامی آمریکا با سیاست‌های اعمالی آمریکا کاملاً متفاوت است.

آنچه در رسانه‌ها اعلام می‌شود با آنچه که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و CIA و پنتاگون اعلام می‌شود و اجرا می‌شود با هم کاملاً متفاوتند و قابل اعتماد نیستند.
سوال ۲- به نظر شما و با توجه بر عرایض حضرتعالی روزنه امیدی در آینده وجود ندارد؟

بله نمی‌توانیم کورسوی امیدی و یا امتیاز مثبتی ببینیم. توجه به این که قابل اعتماد نیستند و نمی‌شود روی آنها حساب کرد و بر اساس منافع باندی و جناحی دولت خودشان

سوال ۱- کشور ما در زمان حاکمیت دولت روحانی در بخش اقتصاد دچار توسعه یافتگی شده است از دیدگاه شما عوامل این توسعه یافتگی چیست؟ و راه کار کدام است؟

پاسخ: مسئله توسعه‌یافتگی مسئله‌ای نیست که مربوط به یک دولت باشد و یک مسئله ریشه‌ای است و با تغییر دولت‌ها توسعه اتفاق نخواهد افتاد و مانی کشور ما در راه توسعه کشور ریشه دار در حوزه تاریخ و فرهنگ و اقتصاد است. در یک مسیر اجرایی کشور یعنی تحت عنوان وابستگی به مسیر وجود دارد. یعنی اینکه یک کشور یک مسیر غلط را شروع می‌کند ولی دستگاه‌های دولت به آن مسیر غلط عادت می‌کنند. مثلاً یک کشور وابسته به نفت است و کاملاً می‌داند باید از این وابستگی مطلق خود را برهاند، اما در عمل نمی‌تواند این کار را بکند و هر چه زمان بگذرد باز قابل انجام نخواهد شد و این اتفاق نخواهد افتاد و مسائل خیلی زیاد دیگری وجود دارد تا اینکه ما اینجا را در سطح کلان توانیم حل کنیم.

حرف از توسعه زدن به شوخی شبیه است. مثلاً ما نمی‌توانیم مناسبات خوبی با دنیا نداشته باشیم و انتظار داشته باشیم کشور مسیر توسعه را طی کند حاکمتر در این شرایط یک دولت می‌تواند مسیر سقوط اقتصادی کشور را کند، کند اما اگر این موانع وجود داشته باشد نمی‌تواند کشور را به سمت توسعه ببرد.

حالا علاوه بر مسائل ریشه‌ای که گفته شد به نظر من در راس حاکمیت روسای قوی سه گانه باید بنشیند و بر سر این موانع حل اختلاف بکنند و به توافق برسند و مواردی که گفته شد نایف تا کارآمدی دولت فعلی نمی‌باشد. و دولت به لحاظ اقتصادی توانمند نبوده و ارگانهای زیرمجموعه دولت هماهنگی‌های لازم را ندارند. و دلیل اصلی توسعه‌یافتگی که مستحکماً سؤال اصلی ماست به نظر من مشکلات و موانع ریشه دار تاریخی در سرزمین عزیزمان ایران است که در این حاکمیت هم اجماع نظر روحانی در این خصوص وجود ندارد که خواهد حل بشود

سخن سردبیر

همزیستی ادیان، تفکر اصیل اسلامی و حکم قاطع الله

اجراً شاهد بودیم که پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان به عراق مسافرت نموده است و با حضرت آیت الله سیستانی مرجع تقلید شیعیان ملاقات نموده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دولت جدید آمریکا در ایجاد منطقه ای امن و خارج از خشونت می‌باشد و چنانچه بخواهیم اهداف این سفر را بررسی کنیم باید بگوییم که از جمله سیاست‌های دولت جدید آمریکا گفتگوی بین ادیان و صلح در جهت حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه و جهان است. نیز می‌توان گفت رویکرد دولت جدید آمریکا کاهش تنش در خاورمیانه و در کشورهای است که محور مقاومت اسلامی در آنها جریان دارد و اقدامات موثری برسد اهداف استعماری آمریکا انجام می‌دهند.

این گروه‌های مقاومت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران از حملاتی که به منافع آمریکا در عراق و سوریه انجام شده است که دولت آمریکا را درگیر جانش‌های مستعززه است مانند جمله موسیقی اصیر به بیات‌ها عین اندام آمریکا در عراق ولیکن با توجه به اینکه شخصیت آیت الله سیستانی در آینده تحولات عراق و به خصوص آمریکا می‌تواند بسیار موثر باشد این عقیده محتمل است که آمریکا و هم می‌تواند با استفاده از شخصیت‌های نفوذی و پاپ آیت الله سیستانی به دنبال اجباری مواضع سیاسی خود در خارج از مرزهای آمریکا و منطقه خاورمیانه باشد. چنانچه فرض را بر درستی نیت آمریکا و هم می‌تواند بنشینیم چنانچه بخواهیم در نظر قرآن گفتگوی درجهان مذهبی موثر در جهان را بررسی کنیم باید بگوییم که گفتگوی بین ادیان یک تفکر اصیل اسلامی است. و قرآن کریم در آیات متعدد به صورت‌های گوناگون با صراحت کامل به این امر اشاره کرده است.

از نظر قرآن کریم جنگ و ستیز مذهبی به دلیل اختلاف عقیده به صورتی که در برخی از مذاهب دیده می‌شود معنایی ندارد مانند جنگ‌های قبلی قرآن کریم. و اسلام یک تئوری و روشی نیست و به ادیان دیگر و توهمین و رفتارهای افراطی امر را روشی غیر نیت می‌داند.

قرآن کریم برای زیست بین ادیان راه‌های گوناگونی را تجویز و سادارش نموده است. سبب است: ۱- آزادی عقیده و تفکر که در این خصوص می‌فرماید: در کار دین دینی است چراکه راه از بی راهی به روشنی آشکار شده است. سوره بقره آیه ۱۳

سعید نورمحمدی فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان

گفتگوی نشریه پناه مردم با سعید نورمحمدی عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان
با توجه به اینکه زمان زیادی به انتخابات ندرسیم و سواتالی در ذهن مردم وما وجود داشت که تا قبل از انتمام عمر دولت دکتر روحانی تصمیم گرفتیم با افراد موثر اصلاح طلب که دست خواتونی را در امر انتخاباتی و سیاست پیشگامی بر آتش دارند در میان بگذاریم.

لذا به سراز جناب آقای سعید نورمحمدی عضو موسس وشورای مرکزی حزب اصلاح طلب ندای ایرانیان رفیقیم با توجه به اینکه نورمحمدی تقریباً می‌شود گفت علیرغم جوان بودن از چهره‌های شاخص وجوان اصلاح طلب است که هم در دولت اصلاحات وهم دولت دکتر روحانی فعالیت‌های چشمگیری را در جهت منافع انقلاب وآرمانهای اصلاح طلبانه انجام داده است. لذا پس از کسب اجازه تصدیق اوقات ایشان به ذکر چند سوال پیرامون دولت روحانی ومسائل پیش روی اصلاح طلبان در انتخابات آینده پرداختیم. ما با او نشست صمیمانه ای داشتیم.

سلام جناب نورمحمدی وممنتوم است اینکه وقت گرانبه‌ای خود را در اختیار این نشریه قرار دادید. پاسخ:خواهش میکنم در خدمتم.

با این تفسیر که مردم دولت روحانی را اصلاح طلب می دانند و عدم تحقق دولت در وعده هایش را بخصوص مصلحت اقتصادی که می تواند به نوبه خود بزرگترین عامل برای روگردانی و عدم اقبال مردم از کاندیدای اصلاح طلب باشد

پاسخ: ۸: در اینجا دو بحث مطرح است یک جایگاه احزاب و دو جریان اصلاح طلبی. واقعیت این است که احزاب تثبیت نشده اند. و نگاه امنیتی به احزاب در بدنه حاکمیت وجود دارد که نشان دهنده بی اعتمادی حاکمیت سیاسی به احزاب است که خود حاکمیت آنها را به رسمیت نمی شناسد و جایگاهی برای احزاب قائل نیست و ما قانون اساسی داریم که با چه نوعی نگاه به احزاب دارد که کاملا و حسی بی اعتماد است.

و ادعیهایی که وارد احزاب می شوند بیشتر به جای فعالیت سیاسی دچار تعهد می شوند آدم هایی که خارج از احزاب هستند و هرچقدر با شخصیت های سیاسی سرآمده داشته باشند و حتی غیر حرفه ای ترین فعالیت ها را داشته باشند از افرادی که در پارچوب رسمی و مدرن کار می کنند در امر سیاست در کشور ما موفق ترند. باید احزاب پذیرفته شوند که ما اینکه مثلا در اوج فضای انتخاباتی بعد از روی کار آمدن آقای روحانی مسائل را دانشیم و بسیاری از اصلاح طلبان پیروز انتخابات شدند ولی در انتخابات این دوره مجلس تقریبا همه کاندیداهای حزبی برای انتخابات مجلس رد صلاحیت شدند و اکثر کسانی که به مجلس رفتند حزبی و سیاسی نبودند و اغلب افرادی بودند که سابقه کار حزبی نداشتند و بخش عمده اصلاح طلبان به واسطه همین موضوع رد صلاحیت شدند.

چون افرادی که در احزاب هستند به مرور زمان قوی تر می شوند اما در مورد این که چه اصلاحات جطور می تواند امیوار باشد باید گفت **اصلاح طلبان از بدنه جامعه فاصله گرفتند و می ترسند از اینکه با مردم حرف بزنند.**

از واکنش های مردم نسبت به عملکرد خودشان و دولت میترسند و باید دست از غرور گداز بردارند و به سمت مردم بروند و تا موفق می شوند این امر وجود دارد شرایط اصلاح طلبان تغییر نخواهد کرد.

سوال ۹: رویکرد حزب نما در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده به کدام کاندیدا خواهد بود؟

پاسخ: ۹: حزب نمای ایرانیان به دنبال کاندیدای اختصاصی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ است و بدنه حزب به این نتیجه رسیده که کاندیدای اختصاصی برای انتخابات آینده باشد تا کاندیدای اتلافی .

مگر آنکه مجبور بشوید سراغ کاندیدای اتلافی برود.

سوال ۱۰- آیا کاندیدای اختصاصی حزب نما دکتر خرازی خواهد بود ؟

پاسخ : ۱۰: بله ایشان بدنه حزب به این نتیجه رسیده اند که دکتر خرازی کاندیدا شود و از او حمایت کند ولی ایشان در حال بررسی این موضوع است.

سوال ۶-۶ خرداد راهیمی ۲۲:پنهمن شاهدتونی عنده ای که به نظر می رسد به خیمه اصولگرایان متعلق اندویدیم.و اینگونه فظارتونجین به از توگاه دولت در سنوات گذشته از سوی فلالان اصولگرا بوده ایم.تحلیل شما نسبت به این واقعه چیست؟

مراد از اینگونه رفتارها تضییع جایگاه دولت است و شخص روحانی یفا اعتراض به وضع معیشتی و سواستفاده سیاسی حمایت کنندگان معنوی از اینگونه رفتارها برای کارزار انتخابات است؟

پاسخ: ۶: همه موارد مردم جامعه ما عصبی وارد شده اند. و ما این رادیکالیسم را هم در میان مردم می بینیم و هم در میان نخبگان سیاسی و هر دو نیروی اصولگرا و اصلاح طلب رادیکال شده اند و این رادیکالیسم را و رادیکالیزه شدن فضا را در بین نیروهای دولت را نیز مشاهده می نمایم.

اما خوشبختانه رهبری نوانستت خوشنوت و رادیکالیسم هر دو جناح را تلطیف نماید

سوال ۷-۷: اکبر ترکان در مصاحبه ۲۳:خود با روزنامه ایران کارنامه دولت را تحت تاثیر ۴عامل مهم از جمله،بحران کرونا و کاهش قیمت جهانی نفت تجزیه های دولت ترامپ تجزیه های قبل از سال ۹۲ برشمرد و عنذخواهی روحانی از مردم به سبب برخی کمبودها را اشاره کرده. نظر شما موثرترین و عمده ترین مشکل ناشی از اراده دولت چیست؟

شما کارشنکی ومخالفهای سیاسی جناح زقیب اره دولت تراچه حدموثرمی دانید؟

پاسخ: ۷: ببینید جناب ترکان هم حقیقت را گفتند و هم نگفتند درست است در ایجاد شرایط فعلی دکتر ترکان گفتن نقش داشته است اما این همه شرایطی که وضعیت کشور را یعنی علاوه بر دلایلی که آقای ترکان می گویند مناسبانه دولت فعلی یاد گرفته خودش را پشت تجزیه ها پنهان کند. آقای ترکان هم همین شیوه را دنبال نموده اند.

متأسفانه ایشان نیز خودش را پشت تجزیه و سیاست خارجی پنهان می کند تا ناکارآمدی دولت را پنهان نماید این دولت ناهماهنگ ترین دستگاههای اجرایی بعد از انقلاب داشته است و بین وزارتخانه ها و اداره کل های وابسته به دولت هیچ هماهنگی وجود ندارد و کافی است شخصی یا ارباب رجوع وتولیدکننده به وزارت جهاد کشاورزی یا صمت مراجعه کند. بیج و خمی در مسیر انجام کار اداری ایجاد می کنند که این امر ضرر خیلی زیاده به کشور وارد می کند و در واقع بدنه اداری دولتیسیار ناهماهنگ با یکدیگر هستند.

به عنوان مثال برای سرمایه گذاری و انجام امور اداری به یکی از ادارات مراجعه کردم که به قدری من را این طرف و آن طرف کشاندن که کلا منصرف از قصد خود برای انجام کار خود شدم.

سوال ۸-۸: آنچه که پیش روی اصلاح طلبان است تمدد کاندیداهای اصولگرا برای کرسی سانسورنشده است.به نظر شما با توجه به نگاه امنیتی به تحزب ویا فقدان روحیه تحزب در بدنه اجتماع ودر میان فعالان سیاسی .آیا حزبی پیشرو حزبی پیشرو که به بتواند محورخانه فعالیت و حضور اصلاح طلبان برای کسب کرسی دولت در آینده باشدو دارد؟آنگاره فرمایید؟

فعالان حزبی اصلاح طلب چگونه می توانند این کشتی برتلاطم تقریبا به گل نشسته دولت را در مسیر تحقق آرزشها و مشاریه اصلاح طلبان بگردانند؟

۳- با توجه به این که شمار زیادی از نمایندگان مجلس در تقابل با برجام و اف ای تی اف هستند و معتقد هستند دولت کنونی دولتی غربی و ناموفق در حل مشکلات کشور است و لذا با به مخالفت با دولت می پردازند از دیدگاه شما این رویارویی رویارویی جناح اصولگرایی مجلس می تواند عبره امر برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ و پیروزی اصلاح طلبان در به دست آوردن کرسی دولت تکتگر کند؟

تعمیم گیری این مسئله با مردم است. درست است. مجلس فعلی و مجمع تشخیص مصلحت نظام با fatf مخالف است اگر ولی اگر مردم به محنه بیایند و به کاندیدایی رای دهند که مخالف پیوستن ایران به fatf است مسیر کشور را مشخص کرده اند و در واقع به نوعی انتخابات فرزاندم است. فرزاندم ایستادن در برابر جهان یا پیوستن به جامعه جهانی امروز .

و این مردم هستند که باید در انتخابات تصمیم بگیرند که در دولت آینده نتیجه چه خواهد شد و چه چیزی اتفاق خواهد افتاد.

مثلاً اگر مردم به کاندیدایی مانند آقای دکتر طریف رای دهند که موافق برجام و fatf است طبیعتا حاکمیت این را خواهد پذیرفت. اما اگر به کاندیدایی مانند آقای دکتر قالیباف رای دهند که با fatf و برجام مخالف است طبیعتا ساز حاکمیت این امر را خواهد پذیرفت و در واقع نقش افرن اصلی بزی تعیین آینده مردم ایران خواهد بود.

اگر هدایت های مقام معظم رهبری نبود مجلس به دنبال استیضاح رئیس جمهور بود و نگاه رقابتی طبیعتا به توسعه و اقتصاد و احساس امنیت جامعه آسیب جدی می زدند

و مشکل این است که متأسفانه بسیاری از نمایندگان مجلس نگاه رقابتی به دولت دارند و از این دریچه به دولت نگاه می کنند که دولت را از پای دریاورد و اگر هدایت های مقام معظم رهبری نبود مجلس به دنبال استیضاح رئیس جمهور بود و نگاه رقابتی طبیعتا به توسعه و اقتصاد و احساس امنیت جامعه آسیب جدی می زدند.

۵- ما در سوی دیگر این ماجرا رویکرد دولت باین در تعامل با ایران و بازگشت به برجام را داریم. به عنوان مثال می توان گفت که اخیرا گروه حوثی ها که مورد حمایت ایران هستند از لیست سازمان های تروریستی توسط وزارت خارجه آمریکا خارج شده است. تحلیل شما در این خصوص و این رابطه چیست؟ آیا می توان گفت در کوتاه مدت اقدامات دیپلماتیک کمونیت کشور را بهبود ببخشد و اقبال مردم به اصلاح طلبان را ترمیم نماید؟

پاسخ: ۵: نه به دلیل آنکه موضعی که آقای باین نسبت به ایران در مورد برجام گرفته است تغییر محسوسمی نسبت به دولت گذشته آمریکا ندارد.مثلا اخیرا قیمت دلار وسکته افزایش پیدا کرده است ودلیل اصلی آن موضع اخیر آقای باین در قبال ایران بود.

ومعتقد امگر روزی برسد که دو دولت به نقطه ای از تقاضم برسند که بخواهند مشکلات می مابین خودشان را حل کنند.غیرغم اینکه اختلاف نظر جدی بر سر موضوعات پیش روی خود دارند.مسئله ای زمانبر است وممکن است اثبات کوتاه مدتی داشته باشد وحل مسئله روحانی این چالشها شاید کوتاه باشد ولی حل ریشه ای مشکلات امری زمانبر است .

و در واقع زمان زیادی به انتخابات نداریم. واز طرفی مردم ما نگاه شان این است که فلال دولت خارجی با دولت فعلی چطور رفتار می کند که بایانده رای بدهند و مردم ما بسیار باهوش هستند.

وزارت امور خارجه در این خصوص چه تصمیماتی اتخاذ کرده است؟ و آیا درمواجهه با این دسته از پناهجویان اقداماتی انجام می دهد؟لطفا توضیح فرمایید؟

پاسخ:اولا باید گفت ایرانیان پناهجو بنا به اراده وخواست خود کشور را بطور غیرقانونی ترک نموده اند واجباری در این رابطه نبوده است ونیز باید بگویم اغلب کشورهای هدف بنا به شرایط صلح در ایران از پذیرش مهاجرانی مانند ایرانیها خودداری می نمایند وقانونا ما الزامی به حمایت از این دسته از مهاجران نداریم زیرا پاسپورت ایرانی ندارند ویا هویت خود را سوری ویا افغانی اعلام می نمایند ولی علی ایحال در صورت مراجعه به سفارت یا کنسولهای جمهوری اسلامی تقضا از این دسته از مهاجران حمایتهای قانونی را خواهیم داشت.

۲-حتکه ای که بسیاری از پناهجویان در این رابطه به رسانه های اغلب خارجی اعلام می کنند این نکته است که قدم در مسیر بی بازگشتی گذاشته اند وراه چاره ای جز اسارت در غربت را ندارند واگر روزی به فکر بازگشت به وطن را داشته باشند فعلا سفارتخانه های ایران از این افراد حمایت نخواهد کرد ودر صورت بازگشت حتما با آنان برخورد خواهد شد واز ترس این برخورد بسیاری از آنان خیال بازگشت ندارند.آیا این تصور مهاجران صحیح است وواکنش وزارت خارجه وسفارتخانه های ایران در برابر خواسته های این مهاجران چه خواهد بود؟ فعلا این تصور غلطی است وهمه سفارتخانه های ایران در صورت اراده مهاجران به بازگشت به وطن از آنان حمایت خواهد کرد وموارد زیادی بوده است که برخی از مهاجران هزینه وبلعیا هوابیمای بازگشت خودرا نیز از سفارتخانه ها دریافت نموده اند وسفارتخانه های ایران در این زمینه همکاریهای خوبی با مهاجران غیر قانونی که درخواست بازگشت دارند را انجام داده است.

گفتگوی تشریه پناه مردم با کارشناس ویژه کنسولی وزارت امور خارجه در خصوص وضعیت پناهجویان ایرانی اواره در غربت

مدتی است که رسانه های داخلی وخارجی خبر از زردماندگی پناهجویان ایرانی می دهند که به امید آرزوی یک زندگی ایده آل وروایی ونسوری هیجان انگیزی که ا ززندگی در غرب می دهند خانه وکاشانه وحشی کمترین داریی های خودرا صرف مهاجرت با اعمال شاقه وپناه آوردن به کشوری میزبان در اروپا یا استرالیا ویا آمریکا می نمایند.

واین در صورتیست که در راه رسیدن به این آرزوی دل انگیز مشکلات عدیده ای مانند بیماریهای مختلف ناشی از سفر ونسود بهداشتی ودرمان در کشور مقیم وعدم پذیرش درخواست پناهندگی تا مدت های مدید وسرگردانی در کمپهای آسیب زا وسدئون کمترین امکانات بهداشتی عرضه را بر این دسته از مهاجران تنگ نموده است واغلب به دلیل ترس از مهاجرت غیرقانونی در برخی از تصمیمات خود می مانند که روایی خیال انگیز پناهندگی در غرب را انتخاب نمایند یا بازگشت به وطن با ترس از برخورد دولت ایران با مهاجران غیرقانونی.

لذا تصمیم گرفتیم موضوع را با معاون وزیر امورخارجه جناب آقای دکتر خطیب زاده در میان بگذاریم که پس از نامه نگاری ودرخواست مصاحبه سرانجام موفق شدیم با کارشناس کنسولی وزارت امور خارجه جناب آقای کامجو وقتی را مینم نموده وبه طرح موضوع بپردازیم.وایشان با صحه مشر ویا گشاده رویی به سوالاتمان پاسخ گفتند:

با سلام وتحتیا. ممنونیم از اینکه وقت شریفشان را در اختیارمان قراردادید. پاسخ:خواهش میکنم. در خدمت.

مهمانطور که در ابتدای سخن درمورد وضعیت مهاجران ایرانی آواره مانده در غربت توضیح دادیم بیشتر ایرانیایی که با مهاجرت غیرقانونی در کشورهای نظیر یونان وترکیه واسترالیا ویا آمریکا ساکن هستند.موازه را وضعیت خود شکایت داشته ورنه با مشکلات خودرا با رسانه های نظری بی بی سی وایران اینترنشنال در میان می گزارند واغلب از عدم توجه سفارتخانه وکنسولی های ایران در کشورهای هدفشان شکایت دارند.



مهاجرت غیرقانونی از کشور وگشاده رویی وزارت خارجه نسبت به پناهجویان

حکایات ودانستنی ها:

● کوروش تنها پادشاهی بود که تنها یک همسر داشت به نام کاساندان کوروش بعد از مرگ همسرش ۶ روز عزای عمومی اعلام کرد! حاصل ازدواجشان ۵ فرزند بود: کمبوجیه - بردیا - اتوسا- آرتیستون -رکسانا

● اسب های دریایی در طول زندگی تنها با یک جفت زندگی میکنند و هرگز با اسب دریایی دیگری جفتگیری نمیکنند چالب اینکه آنها در حالیکه دشمنان را به یکدیگر گره زده اند در اقیانوس سفر میکنند

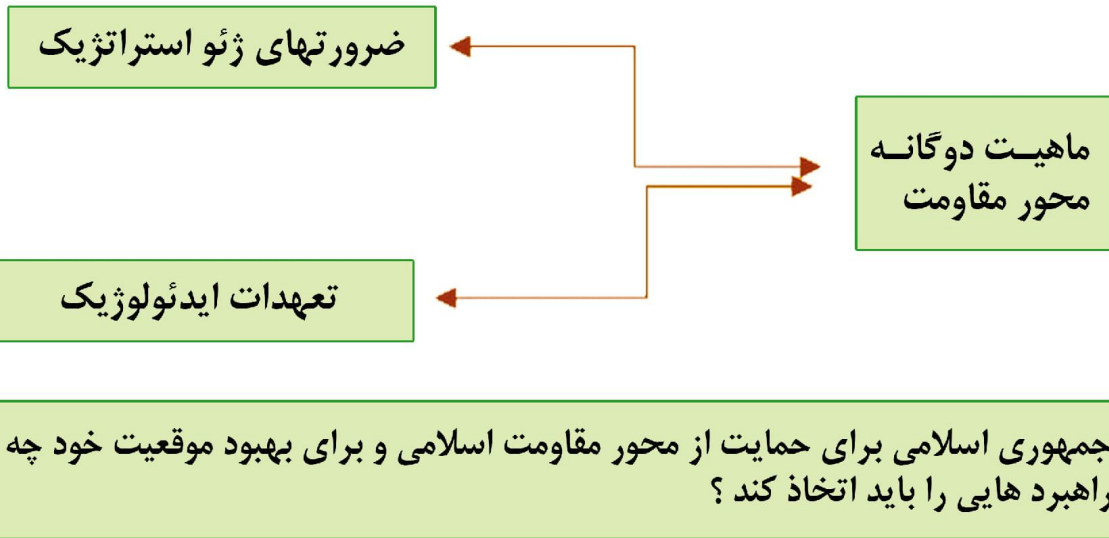
● مردانی ک زنایی زیبا دارند زودتر میمیرند. طبق تحقیقی در دانشگاه استنفورد مردانی که با زنان زیبا ازدواج میکنند به خاطر حسنی که به آن غیرت گفته میشود دچار بیماری قلبی و عروقی میشوند.

● میزان کالری زولیا و بامیه چقدر است؟

هر عدد بامیه ۸۰۰ کیلو کالری یعنی چیزی معادل ۵ قاشق غذاخوری برنج هر ۱۰۰ گرم زولیا ۴۵۰ کیلو کالری تقریبا معادل ۱ بشقاب برنج می باش



راهبرد نگاری نقش آفرینی جمهوری اسلامی در محور مقاومت



- ← خنثی سازی تبلیغات ایران هراسانه بیگانگان در سطح منطقه
- ← تقویت همبستگی و توسعه مناسبات به ویژه اقتصادی با کشورهای عضو محور مقاومت
- ← تلاش برای تقویت جایگاه مقاومت در جایگاه سیاسی ملی کشورهای عضو محور مقاومت
- ← مقابله و محدود سازی تکفیری ها
- ← فشار به بیگانگان برای ترک منطقه

و باینه گام دوم انقلاب رهبری روی آن نظر دارواین بیانیه بیشتر ناظر بر این موضوع است که با وجود سرمایه انسانی جوان باید گردشگری در مدیریت کشور رخ بدهد.

در هر سطح مدیریتی کشور از جوانان استفاده کنیم. نسل دوم انقلاب به نوعی بیانگر دگرذیسی انقلاب است. بییند طیف بسیار زیادی از مدیران ما از اوایل انقلاب و دوران جوانی تا امروز بودند و جلو آمدن در همه امور فعال بودند و لذا پس از چهار دهه متعلق حکم می کند که باید پوست اندازی کنند. حتی دیر هم شده است و اگر این دگرذیسی صورت نگیرد کشور در وضعیت رکود و سکون در همه حوزه ها باقی می ماند.

پس از شک و به همین دلیل معتقدم بیانیه گام دوم انقلاب ناظر بر استفاده بهینه و عملیاتی استفاده از نیروی جوان کشور است سوال ۲- یکی دیگر از ابعاد سیاست خارجی ما رها شدن از وابستگی به کشورهای قدرتمند است و در گذشته ایران وابسته به غرب و آمریکا بود. به نظر شما با توجه به پیشرفت های تکنولوژی در جهان و ایران، چگونه می توان از ابزار تکنولوژی برای رهایی از وابستگی و استقلال کشور استفاده کنیم و همچنان مشکلات پیش روی ما چه مولفه هایی هستند؟ و برای بیرون رفتن از این مشکلات چه باید کرد؟

پاسخ ۲- بییند معنی استقلال اینگونه نیست که ما فکر کنیم با هر کشوری ارتباط بگیریم زیر یوغ آن کشور رفته به استقلال مان را از دست میدهیم عرصه امروز در هزاره سوم عرصه تعادل و تبادل و تعامل است سرعت غیر قابل تصور تکنولوژی و اطلاعات اقتدر بالاست که در کسری از ثانیه میشود مهمترین اخبار در تمامی دنیا تبادل کنیم. انسان هزاره سوم در یک اتاق شیشه ای قرار گرفته است و همه چی و همه چیز به صورت شفاف و قابلیت رویت برای تمام افراد جهان را دارد.

و لذا ناگزیریم برای رسیدن به سطح بالایی از دانش و تکنولوژی نموط مقوله دانش را خیلی ارتقا دهیم و نکته مهم تر تبادل است امانظورتبادل و تعامل کالا نیست و بلکه منظور تبادل دانش در تمامی عرصه ها است. اگر دولت کنیم در سیستم اقتصادی کشور مدل هایی را در حال استفاده می بینیم که در خارج ایران استفاده شده است و امتحانش رو پس داده است و مورد قبول سایر کشورهاست تقاط مختلف دیانست مثل سیستم بانکداری و بورس و بنگاه داری. تکنولوژی هم دقیقاً به تبع این مورد استفاده قرار میگیرد. ما به شما ابزار و تجهیزات مدرن را در ایران و درست در زمانی استفاده می کنیم که در سایر نقاط دنیا نیز استفاده می شود.

در واقع کشور در تمامی مقولات مانند پزشکی و کشاورزی و پوششیم حرفی برای گفتن دارد و این دانش را منتقل می کند و علیرغم کالا دانش این رشته ها نیز تبادل می شود.

ادامه صفحه ۴

پاسخ ۱

بین اولاً که واقماً این نسل جوان امروز به لحاظ انسجام و یکدستی ما نسل جوان اوایل انقلاب متفاوت است. بالاخره جوان هایی که در اول انقلاب حضور داشتند طیف های خاصی بودند و در احزاب مختلف وجود داشتند. عده ای در قالب مجاهدین خلق بودند که بعدها شدند با رفتارهای استیاهی که داشتند تبدیل به متناقض شدند. عده ای بودند و عده ای نیز از جوانان پیرو خط امام و انقلاب بودند.

لذا تنوع و تکثر جوانان در دوره اول انقلاب بیشتر بود. شاید بشود گفت پایبندی شان به نظام جمهوری اسلامی زاویه پیدا کرده باشد البته تغییر نیز پیدا کرد و بر همین اساس می توان گفت که الان پس از چهل و دو سال این انسجام و انسجام بیشتری است.

یک دستی در میان جوانان وجود دارد و به همین دلیل در واقع میشود گفت نسل دوم انقلاب شامل همین جوانان است که الان در آستانه چهل و دو سالگی قرار گرفتند یا همان کسانی هستند که در دهه ۵۰ و ۶۰ متولد شدند. بر همین اساس حزب ندای ایرانیان هم رسالتش را از روز اول تأسیس بر جوانگرایی و میدان دادن و فضا دادن به جوانان این سرزمین قرار داده است. و میشود گفت که غالب موسسین این حزب و اعضای فعال این حزب جوانان هستند و رده مولدین ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ هستند و درباره عملکردی هم که حزب در این حوزه انجام داد می توانم اشاره کنم به قانون منع بکارگیری بازنشستگان و اگر شما رسانه ها را مشاهده کنید متوجه خواهید شد که حزب ندای ایرانیان با رازینی های متعددی که با نمایندگان مجلس و فراکسیون جوانان مجلس داشت و نیز بیانیه های مختلف صادر کردو طی روز های متعددی توانست این قانون را از مجلس استخراج کند و خوشبختانه به تصویب برساند.

لذا ما معتقدیم که موتور محرکه در هر جا یکی از سرمایه های غیرقابل انکار سرمایه انسانیست. و این موتور محرکه به عنوان سرمایه انسانی نیروی جوان است و می انگین سنی ایران ۹۹/۷ است که نشان می دهد که کشور ایران یک کشور جوان است و اگر از این پتانسیل جوانی در همه مسائل و جاهای کشور استفاده نشود بلانک ما به یک فرصت سوزی مبتلا شدیم که خیلی از زمینه های فرصت ساز کشور را از دست خواهیم.

یک حکمران خوب زمانی می تواند وظایف خودش رو به درستی ايفا کند که از نیروی خلاق و از ایده های جدید و تکاپو و تلاش و ریسک پذیری متبادل و متعادلی و متناسب با نیروهای انسانی استفاده نماید. ریسک پذیری متعادل نه اینکه آنان که بی هستند. نباید و خلاصیت ندارند بلکه در دوران کهنسانی انسان دچار محافظه کاری در تصمیم و عمل خواهد شد و این ها می توانند اتاق فکر خوبی باشند.



سامان بختیاری فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان

با توجه به اینکه در چهل و دومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هستیم در این رابطه می خواهیم به تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که رهبر انقلاب مطرح فرمودند و انطباق مفاد این بیانیه با رویکرد و راهبرد سیاسی اصلاح طلبان بپردازیم. فلذا به خدمت آقای سامان بختیاری عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان رفتم. که یکی از فعالان جوان حزبی است که سالهاست در زمینه حزب و سیاست در کشورمان فعالیت می نماید. با سلام و خداحود ممنون هستیم از اینکه وقت خود را در خدمت تشریح بیانیه مردم قرار دادید:

پاسخ: ممنونم. در خدمت سوال ۱- در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رهبر انقلاب، تمام امید رهبری به قشر جوان ملتکسی متکی شده است و ایشان نسل امروز را نسبت به جوانان نسل اول انقلاب پرشور و انقلابی تر می دانند. از دیدگاه شما به عنوان یک فعال سیاسی و حزبی همراه با اهداف انقلاب و شخصیت جوان بودن حضرتعالی اینکه حزب جوان پرشور مانند حزب نسا چگونه می تواند در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی قدم بردارد و اینکه آیا در این زمینه اقداماتی انجام گرفته است یا نه؟ و از طرفی مشکلات راه را هم برای فعالان اجتماعی و هم برای دیگر اقتدار اجتماع و مستولین در چه می بینید؟ و چرا کارایی را مد نظر داریم



این دو دسته از روز از تا الان وجود داشته و این انگاره ذهنی که ما چنانچه تبادل وادوستد داشته باشیم استقلال خود را دست می دهیم وزیر یوق استعماری روم، غلط است.

ما باید آفتاب را نشین نهفته خود را پرورش دهیم تا توانیم هادکننده بسیاری از تکنولوژیها باشیم.

مثلا ما به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز جهان هستیم آیا آن کشور که از ازمایش میخرد مستمعه ماست؟

یا این کشور استقلال خود را در برابر دولت ایران از دست داده است؟ خیر قطعاً چنین نیست، به اگر خودمان را در شرایط انفصال قرار دهیم و صرفاً یک مصرف کننده باشیم و از پتانسیل خود در همه حوزه ها استفاده نکنیم و چیزی برای تولید نداشته باشیم به عنوان مصرف کننده صرف در عرصه بین المللی تلقی می شود یعنی اگر چیزی تولید نکنیم به روزی مثلاً می شویم که اگر تولیدکنندگان راه برای واگذاری کالا بروی ما ببینند بلاشک دچار مرگ خواهیم شد.

به این امر وابستگی می گویند اما اگر ما تکنولوژی را وارد کرده بومی سازی کنیم و مهندسی مکتوس کنیم خیلی بهتر و پیشرفته تر تکنولوژی اولیه موفق بشویم نمونه جدید و بهتری بسازیم قابلیت های تکنولوژیکی ما را نشان می دهیم، مانند پیشرفت ایران در زمینه انرژی های الکتریکی و ساخت ایلکترونیک.

ومن باین نظر مخالفم که برای پیشرفت و استقلال الزاماً باید همه چیز را خودمان بسازیم، مثلاً در بسیاری از کشورهای پیشرفته تولید انحصار را در آن کشور انجام نمیگیرند و امتیاز ساخت و مونتاژ را به خاطر هزینه های هنگفت نیروی کار تولیدگران به کشورهای ثالث واسطی می نمایند.

به همین دلیل معتقدم استقلال به معنی این نیست که در کنج عزت بنشینیم و در هزارا بندیم و به پنهان اینکه ممکن است استقلال خود را دست دهیم کشور را عملاً از چرخه رقابت و پیشرفت در سطح بین الملل خارج کنیم.

سوال ۳- آنچه که امروز بخش کثیری از جوانان ما انجام داده است، درماندگی و یا اماندگی در برابر تمدن غرب است، متأسفانه جوانان ما در یک پیچ و خم فرهنگی گرفتار شده اند.

از دیدگاه شما روش انطباق تمدن اسلامی و ایرانی در برابر تمدن غرب چیست؟ و چگونه می توانیم در برابر این وادادگی بخشی از جوانان ایران زمین اقدامات در خور و شایسته انجام دهیم؟

پاسخ ۳ ببینید انگاری ذهنی تمدنی غرب و وادادگی مفهوم های نسبی دارند و نباید اینگونه با آنها نگاه کنیم زمانی که اسلام وارد ایران می شود اسلام ایرانی به وجود آید یعنی به آن اسلام خیلی چیز ها اضافه می شود و خیلی از دانشمندان و فلاسفه ما که ایرانی بودند به آن تمدن چیزی اضافه می کنند علی رغم اینکه آن تمدن کم محتوا تر و ضعیف تر از تمدن ایرانی بوده است شما در مقوله برخورد تمدن و فرهنگ ما به این نقطه باید توجه داشته باشید که مسلماً اگر کسی دارای تمدن غنی باشد و بتواند از این تمدن در حوزه های مختلف خود استفاده پهنه کند ناگزیر، کشورهای هدف این امر را می پذیرد. لذا تقویت تمدن و فرهنگ موجود غنی و صدور آن و آشنا کردن مردم کشورهای مختلف با این فرهنگ سبب تبادل تمدن فرهنگ می شود.

مثلاً پرورش جشن نوروز توسط مادر توره های تمدنی سبب شده در تمامی دنیا نوروز ایرانی را جشن رسمی و زیبا و آغاز تولد طبیعت بشناسند و علیرغم اینکه ایرانی هم نیستند میانی نیست نوروز را جشن می گیرند و تکریم می کنند.

معنی این امر این است که ما با تسلیل خود را اقتدر تقویت کردیم تا توانستیم نوروز را صادر کنیم. چنانچه ما در مورد تمدن های غرب و آمریکا و اروپا نگاه می بینیم از می بینیم جوانان ما از این تمدن ها نگاه الگو برداری می کنند که قطعاً دلایل مشخصی دارد. ببینید ما چه چیزی خرج کردیم که انتظار داشته باشیم جوان ما به آن عمل کند؟ ما چه امکاناتی فراهم کردیم که جوانان ما آن را ببینند و بخواهند آن امکانات را در اختیار جوانان قرار دادیم که جوان بخواهد به آن افتخار کند و ما وقتی این سوالات را کنار هم قرار دهیم به یک جواب می رسیم که می بینیم آنچه ما اضافه کردیم اندک بوده است.

کشورهای وجود دارند که لحظه به لحظه به فرهنگ خاصی را تقویت و تولید و منتشر می کنند. هر کشوری به فرهنگش می نازد و هر محصولی فرهنگ مصرف خود را در پی دارد، مثلاً تولیدکنندگان خودرو و موبایل فرهنگ استفاده از خودرو و موبایل را با خود صادر می کنند.

مثلاً در زمینه موسیقی اگر دقت کنیم متوجه خواهیم شد که چندین برای موسیقی ارزش قائل است که بخوایم موسیقی مرتبط با فرهنگ است یا خود را صادر نماییم. بلاشک موسیقی غربی به دلیل اینکه اجازه بروز موسیقی ایرانی را در کشور ندادیم که بخوایم موسیقی مرتبط با فرهنگ خود را صادر کنیم توانست حاکمیت پیدا کند. هر چند در عرصه موسیقی خیلی از خوانندگان داخلی توانستند جای خوانندگان خارجی را بگیرند.

چرا چون این پتانسیل شناخته شده از آن استفاده شده است و لذا این وادادگی تلقی نمی شود، چون در ذات خود جستجو و پویایی و بیگیری و سوال در ذهن خود دارد و به همین دلیل بسیاری از فرهنگ ها و ایده های وابسته به یک تمدن است که وارد کشور می شود جوان بیگانه است و بررسی می کند که این چه کاربردی دارد و می رود تا آن را لمس کند.

نکته بعدی الگوسازی هاست، ما در کشور خودمان چه میزان چهره های ملی خودمان را به مردم نشان دادیم؟ چه که میزان برای افتخارات ملی مان ارزش قائل بودیم؟ متأسفانه ما یا از آن طرف یا از این طرف پیام افشاده ایم. مثلاً خبر درگذشت استاد خجریان به عنوان یکی از بزرگترین موسیقی دانان و هنرمندان برجسته کشور مانند را در صدا و سیما بسیار ضعیف منتشر می کنیم.

و باید برسید برای این گونه ناهمادی فرهنگی چندین ارزش قائل بودیم، وقتی جوانان ما اینگونه الگوها را نشناختند طبیعتاً جوان ما به سمت خوانندگان و چهره های غربی گرایش پیدا می کنند و با آنها احساس صمیمیت برقرار می کنند.

لذا هر چند برای مفاخر خود هزینه کنیم و ارزش قائل شویم به همان میزان که برآیند آن را در زندگی روزمره خواهیم داشت این تفکر وادادگی غربی زمانی معنی پیدا می کند که ما در اختیار جوانان قرار داده باشیم و بعد انتظار داشته باشیم با دادگی به وجود نیاید.

فرهنگ هم چذبنده دارد، هم دافعه، هر چند به سود داده های فرهنگی را تولید و بازتولید کنیم تعداد کسانی که به فرهنگ ما نزدیک می شوند بیشتر می شود و ما جوانان را درک نکردیم و در موارد زیادی جوانان سرخورده شده اند، همیشه جوانان راجع با اسواری مختلف با سدهای مختلف مواجهه کرده ایم، و لذا فرهنگ زیرزمینی وارد شده و جوانان به آن گرایش می یابند.

پس قبل از اینکه به بحث وادادگی فرهنگی برسیم و بگوییم تمدن ایرانی اسلامی در برابر تمدن غرب چه می خواهد کند.

اولاً باید بگوییم ممالک تمدن اسلامی و اساساً اینان گذارت تمدن اسلامی نیستیم و به عنوان یکی از مدین کشورهای اسلامی هستی که می توانیم

به تمدن اسلامی چیزی بیفزایم.

که در گذشته هم دانشمندان وهم فیلسوفان ما به آن تمدن چیزی اضافه کرده اند، لذا معتقدم که مشکل دیرین خودیاست و تا زمانی که به موارد اشاره شده دقت نکنیم این بحث به جایی نخواهد رسید.

سوال ۴- عناصر اصلی تحقق امت اسلامی را به عنوان یک فعال حزبی چگونه بر می شمارید؟ یا توجه به اینکه حزب ندای ایرانیان می تواند در این امر کوشش نموده و الگو باشد.

نگاه داخلی و خارجی به انقلاب اسلامی را چگونه مشاهده می کنید و تفسیری دارید؟

پاسخ ۴- یکی از بزرگترین رخدادهای اجتماعی انقلاب اسلامی است و این را تمام دنیا متصرف هستند و خیلی جالب یک حکومت یا بزرگترین اقتدار با حداقل خونریزی و اغتشاش و تخریب از می آید. اما وقتی به تمامی انقلابها در جهان نگاه کنیم بر سر از خونریزی و کشتار و ویرانی آن بوده است که در انقلاب ایران این اتفاقات خیلی کمتر است و قاطعه مردم به جمهوری اسلامی می دهند و بازتاب داخلی این اتفاق معلوم است ولی در بازتاب خارجی این اتفاق رسانه ها در پی این اتفاق اعتراف به این رخداد اجتماعی بسیار بزرگ در جامعه ایران دارند.

ببینید انقلاب مردم ایران به خاطر اندیشه های ایشان بوده است و اگر سطح رفاه را بررسی کنید این گونه بوده است که سطح رفاه نسبی وجود داشته است اما مردم اندیشه و فکر شان مسدود بوده و از این امر به سننوه آمده بودند و شاهی هیچگونه اصلاح و تغییرات و تعدیلات قدرتی را در خود نمی پذیرفت که این امر منجر به انقلاب شد.

اما اینکه ما چه میزان از انقلاب استفاده بهینه کردیم این بحث دارد. اقتدر این انقلاب مهم و حساس و چشمگیر بود که خیلی از کسانی که انتظار پیروزی انقلاب اسلامی ایران را داشتند، ایران را وارد جنگ کردند و در پی بودند ایران و انقلاب را نابود کرده و از کار ببردند و همان سیستم قبلی را احیا کنند.

و این امر برای جهانیان جای سوال بود که چگونه است که یک مردم تا این حد پای خواسته خود پایبند است و این موضوع خود جای شگفتی و احترام دارد و تمام دنیا به مردم ایران احترام گذاشتند.

اما باید برسید اما باید برسید چه میزان به این مردمی که خون دادند و خانه و کاشانه خود را برای انقلاب و گذاشتن ارزش قائل بودیم کجاها کم کاری داشتیم الان برای این که بازتاب انقلاب در همه چهارم دچار نقص نشود ما ناگزیر ارزشها و فراموش نکنیم و فراموش کنیم اقتدار حاکمان به اقتدار مردم آن کشور بستگی دارد و متصل است.

یکی از ارزشهای انقلاب اسلامی این بود که مردم عزت و شان و شخصیت پیدا کنند. امام وقتی آمد بر این امر اصرار داشت و اگر مردم یک کشور تنگدست و فقیر باشند و اقتدار نداشته باشند قطعاً حاکمان نیز اقتدار نخواهند داشت چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی.

پیام پاپ فرانسیس :

رهبر کاتولیک های جهان آرزو کرد خداوند که خود مظهر صلح و رحمت است به عراق ، خاورمیانه و جهان صلح ارزانی کند . خصوصیت ، افراط گرایی و خشونت در قلب یک مذهب زاده نمیشود و اینها خیانت به مذهب است .

پیام آیت الله سیستانی :

شامل نه به محاصره ، نه به بی عدالتی ، نه به فقر ، نه به خشونت ، نه به سرکوب آزادی های مذهبی ، و نه عدم عدالت اجتماعی و نه به رابطه عادی سازی با اسرائیل بود .



رهبران موثر ترین ادیان جهان باهم دیدار کردند

خداوند در آیه ۳۶ سوره نحل میفرماید: « ما به راستی در هر امت و گروهی پیامبری برانگیختیم تا مردمان خدا را پرستش کنند و از طاعتوت بپرهیزند . » با تفکر در این آیه و دیگر آموزه های الهی ، میتوان دریافت که رسالت پیامبران دعوت به توحید و رهایی از هرگونه بردگی و بندگی در برابر شیطان های نفسانی و آزادی از سیطره آنها است .



اتحاد ملی نیاز مبرم کشور در شرایط بحران کنونی کشور



محمد حسین هیکل نویسنده و سیاستمدار معروف مصر در دوره جمال عبدالناصر در کتاب «بیدار تازه» تاریخ در نقل خاطره‌ای می‌نویسد: در سال‌های پراختراب و برانگیختگی ملی‌شدن صنعت نفت در ایران مقاله ای نوشته بودم با عنوان ایران بر دهانه‌ی آتش فشان. سال‌ها بعد و در دهه‌ی ۵۰ دینار و گفتگوی گویس دانشم با شاه، شاه پس از تحلیل مفصل اوضاع داخل ایران و منطقه به طعنه گفت: می‌بینی که ایران دیگر در دهانه‌ی آتشفشان نیست. هیکل در ادامه می‌نویسد: در آن لحظه به شاه جوابی ندادم، اما وقتی ایران را ترک می‌کردم هنوز سخت بر این باور بودم که ایران همچنان بر دهانه‌ی آتشفشان است.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ یکی از تحولات شگرف و عظیم قرن بیستم به شمار می‌رود و بسیاری از تئوری پردازان پدیده انقلاب را شگفت زده کرد. امروزه پس از گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب هنوز عوامل، ابعاد و ویژگی‌های آن روشن نشده است. چرا نهضت مشروطیت (۱۲۸۵-۱۹۶۰) با کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ و نهضت ملی شدن نفت در سال‌های پایان دهه ۱۳۲۰ با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با شکست روبرو شد، همچنانکه حرکت پرشور مردم به رهبری امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در سال‌های ۱۳۴۲ به بعد نیز سرکوب گردید؛ ولی این تحول عظیم در سال ۱۳۵۷ محقق یافت؟ چه عوامل و عللی این پیروزی را به ارمان آورد؟ البته پدیده‌های اجتماعی زاینده یک عامل نیستند، ولی می‌توان از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین عامل سخن گفت و اهمیت شناخت علت اصلی انقلاب به عنوان علت محذنه در بقا و استمرار آن مؤثر خواهد بود. (با) از میان متغیرهای انقلاب، عدم توسعه سیاسی، مشکلات اقتصادی، بحران‌های دینی و مذهبی اساسی‌ترین علت‌این پدیده اجتماعی است یا این که عوامل دیگر مؤثر بوده اند؟

ایران از ترک می‌کردم هنوز سخت بر این باور بودم که ایران همچنان بر دهانه‌ی آتشفشان است. با وقوع تحولات عمیق، ایران توانسته است شرایط با ثبات داخلی - بین‌المللی را تجربه کند. صرف نظر از ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران که در ایجاد چنین تاریخ پر شتاب و پر تحولی نقش بسیار تأثیر گذاری داشته است، قرار گرفتن ایران در منطقه‌ی ویژه‌ای در جغرافیای سیاسی جهان شاید مهم‌ترین عامل در وقوع این شرایط بی‌ثبات و پیچیده بوده است. واقعیت این است که کشور ایران با قرار گرفتن در ناحیه‌ی قلب انرژی جهانی همواره اهمیت بسیار زیادی برای قدرت‌های اول بین‌المللی داشته است. نظریه‌پردازان، استراتژیست‌ها و لابی‌سازان اول جهانی که پشت درهای بسته دکترین‌های عمل گرایانه را تدوین می‌سازند و روی میز سرنان سیاسی قدرت‌های اول دنیا قرار می‌دهند هیچ‌گاه نتوانسته‌اند و نمی‌توانند نام ایران را از مسیر نقشه‌های پیچیده‌ای که به زعم آن‌ها سیاست‌هایشان را به خانه‌ی هدف می‌رساند حذف نمایند و بی‌غور از فضای سیاسی ایران به خانه‌ی مقصود برسند. با چنین اهمیت ویژه‌ی منطقه‌ای و فراتر از آن جهانی است که ایران هیچ‌گاه از دخالت‌های قدرت‌های بزرگ که ابزارهای بزرگ نیز در دست دارند، آسوده نباشد و عدم ثبات فزاینده سیاسی - اجتماعی حاصل منطقی و طبیعی این دخالت‌ها است.

جالب توجه اینکه محمدرضا پهلوی در آذر سال ۱۳۵۶ در مراسم فارغ التحصیلی دانشگاه آفسری اعلام کرد: «کسی نمی‌تواند مرا سرنگون کند. من از حمایت کارگران، کشاورزان و بخش وسیعی از مردم عادی و روشنفکران به علاوه از پشتیبانی بی‌چون و چرای نیروهای مسلح هفتصد هزار نفری ایران برخوردارم»

۲- رابطه‌ی تحولات داخلی و خارجی بر یکدیگر یک رابطه‌ی دو جانبه و دو سویه است یعنی رفتارها و کنش‌های تحول سازان داخلی و خارج هم تأثیر می‌گذارند هم تأثیر می‌پذیرند. «مصطفی تاج‌زاده» معاون جنجالی و پیشین وزیر امور نقل می‌کرد که ملک عبدالله نقره‌ای را به خانی نشان داده بود که با وقوع جنبش اصلاح طلبی خرداد ۷۶ چگونه حتی ارایش نظامی آمریکا در منطقه نیز دچار تغییر شده است که نشان می‌دهد حوادث داخلی بر تصمیم‌نمیزان جهانی چه تأثیر شگرفی دارد.

۳- شرایط فعلی کشور حتی صرف نظر از تمام وقایع و دیدگاه‌های دیگر حداقل از یک زاویه‌ی مهم در حتی یک صد سال گذشته‌ی نظیر نداشته است. در تمام سال‌های دهه‌های پیش و پس از انقلاب هیچ‌گاه ایران تا این اندازه وارد یک راه بی بازگشت و البته خطر ساز روبرویی با یک قدرت اول جهانی نشده بود. فرایندی که از ماه‌ها قبل بر سر برآمده، هسته‌ی ایران آغاز شده است عملاً کشور را وارد روبرویی همه جانبه و آشکار با آمریکا نموده است. راهی که به نظر می‌رسد برای هر دو کشور راه بی‌بازگشتی است. صرف نظر از صحیح یا غلط بودن سیاست‌های ایران و آمریکا، ماحصل این سیاست‌ها وارد شدن هر دو کشور به راه بی بازگشت منحصراً است. راهی که انتهای آن برای همه‌ی کشورهای دنیا غیر قابل پیش‌بینی و خارج از حد تصور است.

سازمان تحلیل اطلاعات دفاعی که وزارت دفاع و نیروهای مسلح آمریکا را تغذیه اطلاعاتی می‌نماید در ارزیابی از موقعیت رژیم پهلوی اظهار می‌کند: «انتظار می‌رود شاه در ده سال آینده نیز همچنان به صورت فعال در قدرت بماند»

۴- اتحاد ملی برای همه‌ی مقامات و جناح‌های سیاسی واقع بین و غیر وابسته اولویت اول و یک راه اجتناب ناپذیر باشد. امسال می‌تواند برای همه‌ی جریان‌ها و نهاد‌های سیاسی کشور سال سنجش اتحاد طلبی باشد نه تنها به واسطه‌ی نام گذاری این سال به نام «سال اتحاد ملی» بلکه به واسطه‌ی تلاش و تمهیدی که هر جریان، نهاد و مقامی برای همکاری و ساختن بستر مناسب برای ایجاد این اتحاد ملی از خود بروز می‌دهد. پرسش این جاست که آیا می‌توان حرکت‌های تمامیت خواهانه‌ی چون رد گسترده‌ی صلاحیت‌های افراد و کاندیداهای اصلاح طلب در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی را تلاش و

همه‌ی عوامل را از هم پاشیدند؟ چگونه او مقبولیت و کارآمدی خود را از دست داد؟ به طور کلی تئوری‌های چرایی انقلاب اسلامی ایران در پنج دسته ذیل خلاصه می‌شود:

نمید برای تحکیم اتحاد ملی دانست؟ چگونگی می‌توان سوار داشت که تهدید صاحبان فرهنگ و قلم، حرکت در راستای اتحاد ملی است؟ بی‌تردید جریان‌ها و نهاد‌هایی که در همه‌ی سال‌های گذشته با کنار گذاشتن دلسوزان کشور از کانون‌های تجلی مردم سالاری (مثل مجلس و شوراها) و تهدید و فشارهای پيدا

۱- گروهی «تئوری توسعه» را منشا زایش انقلاب دانسته‌اند و طرح ریزی از پیش تعیین شده‌ی خارجی‌ها خصوصاً آمریکا و انگلستان را مؤثر این پدیده شمرده‌اند. زیرا پیشرفت‌های همه جانبه اقتصادی ایران در تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی در بازارهای بین‌المللی و نیز افزایش بهای نفت در نیمه اول دهه ۱۳۵۰، منافع قدرت‌های غربی را به خطر انداخت.

۲- دسته دیگری با «تئوری مدرنیسم» علت چرایی انقلاب اسلامی را تفسیر کرده‌اند و شتاب رژیم شاه در اصلاحات مدرن اجتماعی و اقتصادی و ناسازگاری آن با بافت سنتی جامعه و در نتیجه بیدایش بحران هویت را منشا پیدایش انقلاب دانسته‌اند. این گروه اصلاحات شاه و ریشه‌های طغیان در سال ۱۳۳۲ را مؤید این نظریه دانسته‌اند.

۳- خاتم نیکو کدی در مقام نقد هر دو تئوری و براساس پژوهش‌های سختی و تجاری رژیم محمدرضا پهلوی بر این باور بود که اجرائی پروژه‌های یاد شده طرح‌های بزرگی بودند که مطابق شرایط ایران طراحی نشده و بی اندازه گران و پر خرج بودند و ناکافی اقتصادی، عدم تقسیم عادلانه، فساد و اسراف مالی به بار آوردند.

۴- گروه دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۴- عده دیگری همچون خاتم کدی بر اساس مطالب فوق «مضلات و ناهنجاری‌های اقتصادی» را عامل اصلی بروز انقلاب اسلامی ایران معرفی می‌کنند.

۵- تئوری دیگر بر جامعیت اسلام تأکید می‌کند و نقش تالیف اسلام را در پیدایش انقلاب اسلامی ایران پررنگ تر می‌نماید. استاد مطهری چنین عقیده‌ای را ابراز می‌کند و در تفسیر اسلامی بودن، معنایی اعم از ممنوعیت درج می‌کند و نوعی جامعیت از دین اسلامی را که مضمون مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است ارائه می‌نماید و حریت و آزادی، عدالت، نبود تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی را در متن تعلیمات اسلامی قرار می‌دهد. استاد در ادامه می‌فرماید: از موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل ممنوعیت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر مادی و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آنها، در خود قرار داده است. فی‌المثل، مبارزه برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی، از تالیف اسلامی محسوب می‌شود، اما این مبارزه با ممنوعیت عمیق توأم و همراه است، از سوی دیگر روح آزادی خواهی و حریت در تمام دستورات اسلامی به چشم می‌خورد.

۶- گروه دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۷- تئوری دیگر بر جامعیت اسلام تأکید می‌کند و نقش تالیف اسلام را در پیدایش انقلاب اسلامی ایران پررنگ تر می‌نماید. استاد مطهری چنین عقیده‌ای را ابراز می‌کند و در تفسیر اسلامی بودن، معنایی اعم از ممنوعیت درج می‌کند و نوعی جامعیت از دین اسلامی را که مضمون مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است ارائه می‌نماید و حریت و آزادی، عدالت، نبود تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی را در متن تعلیمات اسلامی قرار می‌دهد. استاد در ادامه می‌فرماید: از موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل ممنوعیت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر مادی و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آنها، در خود قرار داده است. فی‌المثل، مبارزه برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی، از تالیف اسلامی محسوب می‌شود، اما این مبارزه با ممنوعیت عمیق توأم و همراه است، از سوی دیگر روح آزادی خواهی و حریت در تمام دستورات اسلامی به چشم می‌خورد.

۸- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۹- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۹- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۰- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۰- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۱- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۱- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۲- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۲- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۳- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۳- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۴- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۴- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۵- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۵- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۶- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۶- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۷- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

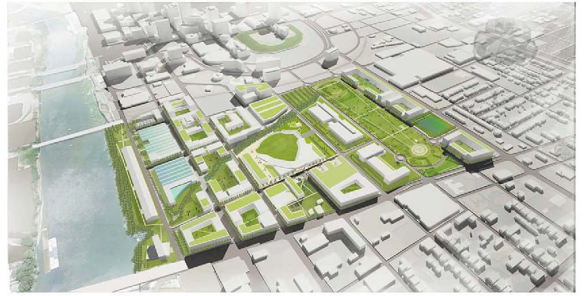
۱۷- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۸- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۸- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۹- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:

۱۹- تئوری دیگری از محققان واقع بینانه به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص مذهبی توجه دارند. آبراهامیان در این راستا چنین استدلال می‌کند:



برنامه ریزی منطقه ای

توسعه منطقه ای

توسعه منطقه ای به برنامه ریزی نه به مفهوم توسعه ملی که در سطح ملی که شامل برنامه های توسعه پنج ساله و یا چند ساله برای تمام یک سرزمین و نه به مفهوم برنامه ریزی بخشی و محلی که فقط به مسائل و نیازهای یک روستا یا بخشی و یا شهرستان و استان بدون توجه با سایر نواحی انجام می شود، نیست بلکه به این مفهوم است که چگونه می توان برای یک منطقه که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه و یا چند استان و یا ایالت، برنامه ریزی داشت تا در سطح ملی و جهانی به برتری های نسبی مورد نظر مسئولین و سیاستمداران آن منطقه نایل شد و در این میان از توزیع و بیشتر و رشد آن منطقه بصورت همگن بهره مند شد. تئوریهای توسعه منطقه ای عمدتاً ریشه در سه شاخه علمی علوم منطقه ای، اقتصاد منطقه ای و جغرافیای توریک دارند.

برنامه ریزی منطقه ای در ایران

با توجه به گذشت بیش از پنجاه سال از عمر برنامه ریزی در ایران و علیرغم تجربه ای نسبتاً طولانی در این دوران، نگاه بخشی بر نظام برنامه ریزی ایران غالب بوده است تا جایی که کشور ایران دچار عدم تعادل های منطقه ای بالایی در جغرافیای خود بوده در میان بخش شهری و روستایی بوده است. یکی از دلایل این عدم تعادل را می توان به عدم توجه لازم سیاستمداران و برنامه ریزان سطح ملی و بخشی به ابعاد فضایی و منطقه ای دانست. اگر چه در برنامه های پنج ساله سال های بعد از انقلاب ۵۷ ایران به ادعای مسئولین نگاهی به برنامه های توسعه منطقه ای شده است اما این برنامه ها از تاثیر لازم برخوردار نبوده اند. چنانچه می بینیم که برنامه سوم و چهارم توسعه کشور ایران، سیاستهای جدید تری برای تمرکز زدایی در امر برنامه ریزی و تصمیم گیری اتخاذ شده است و عزم جدی تری را بر توسعه منطقه ای نشان می دهد.

تاریخچه برنامه ریزی منطقه ای

دیدگاه های توسعه منطقه ای و مدل های مطرح شده در این حوزه به اوایل قرن بیستم بازمی گردند؛ اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد است که اکثر کشورها به نوعی از برنامه ریزی منطقه ای برای دستیابی به توسعه متعادل، کاهش شکاف توسعه در سطح کشور و توسعه مناطق عقب مانده و کاهش اختلاف طبقات اجتماعی دست زده اند. اما این برنامه ها عموماً فاقد استراتژی جامع و دارای پیوند با برنامه های ملی بوده اند. به طوری که در مواردی صرفاً به تعیین مکان سرمایه گذاری در درون یک بخش پرداخته اند. نمونه ای که برنامه های سیاست ها را در تسویق و ترغیب صنایع به استقرار در نواحی فراتر از پایتخت و یا مازر شهرها می توان دید و یا در مکانی مناسب برای مراکز بازار با توزیع پهنه تسهیلات اعتباری و گسترش شبکه راه ها در یک منطقه به منظور شتاب به توسعه کشاورزی جستجو کرد. در بعضی کشورها نیز برنامه ریزی منطقه ای در کابینه تشکیل یا نهادی برای توسعه مناطق عقب مانده - مانند نهاد چهار سازندگی پس از انقلاب اسلامی سال

توسعه منطقه ای، در سوئیس

در کشور سوئیس استانداری در این راستا کار می کند تا صنایع منطقه ای رشد کنند. و رشدی ایجاد شود که برای اقتصاد انسان ها و محیط زیست مثبت باشد. به گونه ای که این تلاش ها باید در راستای کمک به یک توسعه سازنده در امروز و در آینده دورتر نیز باشد. در سوئیس هدف از توسعه منطقه ای اینست که بارهای کار به شکل کارآمد و با خدمات خوب در سراسر استان ها ایجاد شود. دولت دارای مسئولیت فراتر از این زمین است و وظیفه استانداری این است که تصمیم های دولت را بکار بندد و اجرا کند و همچنین همه گونه فعالیت های دولتی را در سطح منطقه ای نیز هماهنگ کند. منظور از توسعه منطقه ای تنها مربوط به تأسیس شرکت های جدید و توسعه صنایع نیست. منظور از این موضوع به همان میزان مربوط به توسعه مناطق روستایی، ارتباطات، زیرساخت های، تی، محیط زیستی و دیداری، فرهنگ و آیین، پژوهش و آموزش، محیط زیست و طبیعت، هم پیوستگی و برابری مردم، بهداشت مکانی و بسیاری مسائل دیگر است. توسعه یک استان تا اندازه ای بستگی به این دارد که در صنایع، کمن ها و عرصه های دولتی آن استان چه می گذرد. برای تأثیر گذاری بر توسعه و افزایش رشد در هر استان یک برنامه رشد منطقه ای "موسوم به آر- تی" می "یک برنامه توسعه منطقه ای" موسوم به "آر- او" می "وجود دارد در برخی استان ها "زگان هماهنگی کننده" مسئولیت این برنامه ها را بر عهده دارد ولی استانداری نیز در راستای هماهنگی فعالیت های ادارات دولتی همکاری می کند. در سوئیس استانداری ها شرایط و ویژگی های رشد منطقه ای را بیان تا یک استراتژی و دستور کار پیشنهاد شود که بتوان بر اساس آن از امکانات و توانمندی های موجود در استان بهره برداری کرد و با خفارت و ضمیمه ها رویارویی کرد. استانداری ها توسعه استان را از راه اندازه گیری ها، تجربه و تحلیل ها و گزارش ها پیگیری می کنند و مسئولیت جمع بندی و انتشار اطلاعات درباره توسعه استان را نیز دارند. استانداری با بسیاری از دست اندرکاران که در زمینه رشد منطقه ای، کنسوری و بین المللی مسئولیت دارند همکاری می کند.

تأسیس صندوق توسعه منطقه ای

بانک جهانی با همکاری بانک توسعه اسلامی یک صندوق توسعه منطقه ای با سرمایه یک میلیارد دلاری تأسیس کرده است. صندوق توسعه همکاری مشترک منطقه ایی با هدف کاهش فاصله زیرساخت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد شده است. این اقدام با هدف ورود سرمایه گذاری بخش خصوصی برای کمک به کشورهای مانند مصر، مراکش، اردن یا تونس برای اجرای پروژه های زیربنایی حیاتی انجام شده که به نوبه خود افزایش رفاه پذیری و اشتغال زایی را به همراه خواهد داشت.

توسعه منطقه ای، ماموریت اصلی پارک های علم و فناوری

پارک های علم و فناوری قریب سه دهه است که مورد توجه اندیشمندان و برنامه ریزی جوامع قرار گرفته اند. امروزه پارک های علم و فناوری در توسعه منطقه ای، به عنوان یک زیر ساخت توسعه دانایی محور محسوب می شوند. اهمیت جایگاه و ماموریت های این پارک ها با مطالعه و مرور موفقه های اقتصاد دانایی محور و زیر ساخت های لازم برای رشد و توسعه این حوزه از اقتصاد، بیشتر مشخص می شود.

وظایف دولت ایران در بحث توسعه منطقه ای

مجلس شورای اسلامی ایران تکالیف دولت در زمینه توسعه منطقه ای را در برنامه پنجم توسعه کشور به شرح ذیل مشخص کرده است: «در راستای تحقق اصل ۴۸ قانون اساسی، سیاست های کلی و جهت حصول به اهداف چشم انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و بارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخوردار شهری های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامه چهارم در بخش های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ۱۰ درصد به سطح یاد شده نزدیک شود». و همچنین مقرر شده است تا معادل ۲ درصد از اعتبارات بودجه عمومی دولت در قالب بودجه ستونانی در اختیار معاونت برنامه ریزی و امور راهبردی رئیس جمهور قرار گیرد تا در راستای تحقق اهداف فوق توزیع و هزینه شود.

آمایش سرزمین، زیربنای توسعه

در کشور ایران برنامه ریزی برای توسعه به دو دهه پیش از انقلاب سال ۵۷ برمی گردد. در سال های ابتدایی توجه چندانی به توسعه همه جانبه و مناطق دور افتاده نمی شد؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل پشتوانه آیدئولوژیک افلاطون در شمار بسط عدالت اجتماعی که از شعارها و آرمان های انقلاب مطرح شده بود

و تأکیدات ویژه رهبران جمهوری اسلامی بر آن، تلاش برای محرومیت زدایی و توسعه مناطق محروم و دور افتاده کشور در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. در پی آن شمار ها نهادهایی مانند جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و نهادهایی از این دست توسط مردم ایران بنیان نهاده شد. پس از پایان جنگ ایران و عراق، دولت وقت با شعار سازندگی و توسعه سعی کرد تا در برنامه های پنج ساله دوم و سوم به انحاء مختلف به مقوله برنامه ریزی منطقه ای توجه کند. این اقدامات در برنامه های چهارم و پنجم توسعه کشور ایران نیز ادامه یافت؛ با این حال می توان بیان کرد عوامل و نکاتی که موجب توسعه نامتوازن و ناآرامی آن برنامه ها می باشد شامل نکات زیر است.

۱. عدم توجه به نقش مردم در توسعه
۲. نهم دولت به نصدی و اجرا
۳. عوارض فرهنگی ناشی از جابجایی گسترده و سریع جمعیت
۴. نداشتن اولویت و تمرکز در برنامه های توسعه
۵. فقدان نگاه زنجیره ای به برنامه های اقتصادی توسعه

کانون های تحلیل گر منطقه ای: مغزافزار توسعه ای استانی

محور تحلیل گران بومی در هر منطقه که آشنایی با بوم و منطقه ای زیست خود با مسائل تحلیل گری، ادبیات علمی روز و با تجارب سایر کشورها آشنایی دارند، یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای توفیق در برنامه ریزی منطقه ای در سطح استان ها و شهرستان ها است. قشر جدید ادبیات علمی روز در سطح استان ها و تأخیر قابل ملاحظه در انتقال و سرریز دانش و تجارب مدیریتی از مرکز به سطح شهرستان ها، از جمله مسائلی است که لزوم تأسیس کانون های تکرار روآمد را ضروری کرده است. این مراکز مدل های متناسب با منطقه و فضای موجود استان و شهرستان ها را تحلیل می کنند. کربودن فضای کاری در مناطق، فرصت های امتداد کاری و نیز ظرفیت خالی توسعه در استان ها و شهرستان ها، فرصتی مناسب برای حضور جوانان دغدغه مند، مصور، چالاک و تحلیل گر در این عرصه است. در مورد بسیاری از موضوعات در حوزه های اجتماعی، صنعتی، اقتصادی، کشاورزی، گردشگری و... در سطح استان ها، اساساً تأملی صورت نگرفته است یا دست کم یک تحلیل مشترک از صورت مساله برای حل آن وجود ندارد و در برخی موارد حتی این شناسایی نشده است. توسعه ای آن به شکل صحیح انجام نشده است؛ که این همه فرصتی برای حضور یک کانون تحلیل گری منطقه ای نماند است.



صهیونیسم، بستری تروریسم دولتی

صهیونیسم، بستری تروریسم

جلوه های خشونت درمنطقه خاورمیانه بویژه فلسطین و عراق که منشا آن را باید حرکت سیاسی صهیونیست دانست جان ساکنان این منطقه را بی مقدار و روح آنان را بیمار کرده است.

در روزها و هفته های گذشته مردم جهان و منطقه خاورمیانه شاهد بالا گرفتن دامنه خشونت و کشتار در این منطقه هستند و ظرف دو هفته گذشته بیش از ۳۰۰ فلسطینی در مناطق خودگردان و نزدیک به ۴۰۰ تن از مردم عراق در این کشور کشته شدند.

درست است که مطابق فلسفه سیاسی حکیمان و فیلسوفانی چون افلاطون، ارسطو، فارابی، و هگل، خشونت از درون انسان آغاز می شود. اما امروزه خشونت شکل توسعه یافته ای به خود گرفته است که ریشه آن به گروه ها، دولت ها، جریان ها و حرکت های سیاسی از جمله حرکت صهیونیسم برمی گردد و ارتباط ویژه ای به جغرافیای سیاسی مناطق جهان و اهمیت این مناطق بویژه خاورمیانه دارد.

حرکت صهیونیسم پراورترین ریشه انواع خشونت مانند قتل و ترور و آدم ربایی سازمان یافته است که در انتقال و تحمیل جنگ بر ساکنان منطقه خاورمیانه از جمله نقش اساسی دارد. این حرکت که در قرن ۱۹ میلادی پدیدار شد و جلوه سیاسی و عینی آن در قرن ۲۰ در «ترسیم اسرائیل» نمود پیدا کرد تا تشکیل شبکه های تروریستی و حمایت مالی و تدارکاتی از تروریست ها در انتقال خشونت به خاورمیانه نقش اول را ایفا کرده و با توسعه جغرافیای خشونت، «تروریسم سازمان یافته دولتی» را به وجود آورده است.

هدف حرکت صهیونیسم از دادن صورت دولتی، منطقه ای و بین المللی به تروریسم و اعمال خشونت در فلسطین و عراق سرگرم کردن ساکنان این مناطق به درگیری دائم و محروم نگه داشتن مسلمانان بویژه شیعیان از توسعه علمی و فرهنگی است.

از نمونه های بارز اثبات کننده هدف یادشده نظریه مهار دو جانبه است که در قالب تجزیه اقتصادی، علمی و تکنولوژی علیه برخی کشورهای اسلامی مانند ایران و سوریه از طرف تروریست های هینت حاکمه آمریکا به عنوان بخشی از سران حرکت صهیونیسم اعمال می شود.

حرکت صهیونیسم و خشونت و تروریسم ناشی از آن، یک پدیده شرقی یا دینی یا خاورمیانه ای نیست بلکه منشأ آن غرب و هدف آن خاورمیانه و مسلمانان است.

کسی منکر این مطلب نیست که برخی گروه ها و حرکت های تروریستی ظرف سال های گذشته در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه براساس تفسیر تنگ نظرانه از برخی آموزه های سنتی و تحریف شده به وجود آمده است.

اما خشونت و اقدام های تروریستی این گروه ها از یک سو واکنشی و مقصدی بوده و هست و از سوی دیگر به لحاظ قدمت و عمق و حجم، قابل مقایسه با خشونت و تروریسم ریشه دار موجود در جهان غرب نیست، تروریسمی که غرب آن را از طریق حرکت صهیونیسم و رژیم صهیونیستی بر ملت های مسلمان در فلسطین و عراق تحمیل کرده است.

اقدام های تروریستی در جهان غرب که نمونه های آن می توان از بانک اسپانیا تا ایرلند جنوبی مشاهده کرد، سیاست خشونت آمیزی که آمریکا پیش از این ضد جامعه سیاه پوستان در پیش گرفته بود، پیدایش استعمار گهته و نو از قرن ۱۹ به این سو که براساس آن برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس جان هزاران انسان را در اروپای شرقی، آفریقا و آسیا گرفتند، تنها نمونه هایی است که نشان می دهد، پدیده خشونت ریشه غربی و نه خاورمیانه ای دارد.

تروریسم و خشونت بخصوص پس از جنگ جهانی دوم از شمال یعنی اروپا و آمریکا به جنوب یعنی خاورمیانه منتقل شد و علت آن همان به دلیل داشتن فلسفه فدای حفظ این فلسفه، هدف خشونت را به قصد داشته و دارد بدین منطقه مهم و حیاتی خاورمیانه سطره پیدا کند.

جنبی ها قربانی خشونت و ترور و به هار نگذشته آن بوده اند و غرب به دلیل داشتن فلسفه فدای حفظ این فلسفه، هدف خشونت را به قصد داشته و دارد بدین منطقه مهم و حیاتی خاورمیانه سطره پیدا کند.

خشونت و تروریسم پدیده ای است که به دلیل فلسفه مادی حاکم بر بخش مهمی از جهان و نیز اهداف سیاسی حرکت ها و قدرت ها اکنون جنبه جهانی و منطقه ای پیدا کرده اما تردیدی نیست که آیدئولوژی خشونت با فلسفه مادی غرب پیوند تنگاتنگ دارد.

مطابق این فلسفه که مبتنی براصل بقای اصلح است، هدف وسیله را توجیه می کند و چون هدف تسلط بر منابع سیاسی و اقتصادی موجود در خاورمیانه است از این رو بهره گرفتن از هر وسیله مانند تجزیم اقتصادی و علمی، قتل و ترور، جنگ و آدم ربایی، بمباران و ویرانی و دیگر نهمه های آیدئولوژی خشونت توجیه پذیر است.

این جلوه های خشونت وارداتی که از طریق بکارگیری و استخدام قدرت و زور در خاورمیانه پدیدار شده است افزون بر بی مقدار کردن جان آدمیان به بروز خشونت روحی و روانی در آنان منجر شده و می شود که بسیار خطرناکتر از خشونت جسمی و از بین بردن توان مادی مردم یک کشور است.

امروزه ایهامانی درباره تفاوت و مفهوم خشونت و تروریسم با «فدای مشروع» به وجود آمده است، پژوهشگران و کارشناسان در این نکته اتفاق نظر دارند که فدای مشروع مانند کاری که فلسطینیان ضد صهیونیست در سرزمین اشغال شده خود انجام می دهند، تروریسم نیست بلکه مقاومت ضد اشغالگرانی است که مفید به اخلاق انسانی و قربانین و قلمنامه های بین المللی نیست.

خشونت که اکنون از اسرائیلی ها در فلسطین سر می زند به منای جرم و جنایت سازمان یافته است که از طریق شبکه مافیای دولتی و راهنمایی حرکت جهانی صهیونیسم رهبری و هدایت می شود.

این شبکه دارای پول و دیگر امکانات مادی، وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، نفوذ گسترده سیاسی و جنگ افزارهای توسعه یافته است که هدف سران آن تشکیل «اسرائیل بزرگ» از نیل تا فرات» است که اکنون به فرات رسیده اند.

اما مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.

مقاومت در فلسطین افقانی است که مبارزان و شهروندان فلسطینی ضد آن شبکه و دولت غیرقانونی «اسرائیل» اعمال می کنند تا از حقوق قانونی خود از جمله تشکیل دوباره کشور فلسطین دست یابند.



برای برخی ناظران، روابط ترکیه و اسرائیل نبض ساز عادی سازی روابط مسلمانان با اسرائیل است. در واقع در چارچوب طرح جامع صلح خاورمیانه است. کاملاً محتمل است که روابط دفاعی و ترکیه منع تسووع جدیدی از روابط منطقه ای منتیسی بر موقفنامه های تجاری، امنیتی و در مورد آب تشکیل دهد.

منبع: گزارش خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ چاپ دانشگاه دفاع ملی آمریکا



اسرائیل - ترکیه: رابطه راهبردی یا ائتلاف موقتی؟

اسرائیل و ترکیه به دلایل راهبردی با هم همکاری می کنند و عنوان مناسب رابطه آنها «رابطه راهبردی «است نه» ائتلاف «هیچکدام از دو طرف ملزم نیست در صورتی که یکی از آنها مورد حمله قرار گرفته، وارد جنگ شود.

ترکیه و اسرائیل از سالهای دهه ۱۹۵۰ با هم روابط غیررسمی داشتند اما این رابطه در سالهای دهه ۱۹۹۰ بعد علنی و جدیدی پیدا کرد که فرماندهان نظامی آنها یک رشته تمرین ها و موافقت نامه های نظامی را شروع کردند. تا سال ۲۰۰۰ این رابطه گسترش یافت و شامل تمرینهای نظامی و آموزش مشترک، تولید مشترک سامانه های موشکی، ارتقای هواییهای آمریکایی، برقراری روابط نزدیک با اسرائیل اقدام جسورانه ای برای ترکیه بود. این اقدام آنکارا که مدتها از مواضع اعراب در مورد فرایند صلح حمایت می کرد، رنگ و بوی تغییر جانبداری عمده در فرایند صلح عرب - اسرائیل داشت. اما اینگونه نبود. موافقتنامه ۱۹۹۲ اسلو به خصوص به رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، این امکان را به آنکارا داد که بدون انتقاد از جانب ساف، رابطه با اسرائیل را پیگیری کند. سیاست علنی ترکیه در قبال فرایند صلح همچنان مبتنی بر طرفداری از فلسطینیان است. ترکیه در سال ۱۹۸۸ «کشور فلسطینی را به رسمیت شناخت اما هیچ نقش قابل توجهی در معادله اسرائیل - فلسطینیان ندارد. در این حال،

نزول رابطه آنکارا با جهان عرب و ایران گسترش مناسبات آن را با اسرائیل تسهیل کرد. اسرائیل و ترکیه به دلایل راهبردی با هم همکاری می کنند و عنوان مناسب رابطه آنها «رابطه راهبردی «است نه» ائتلاف «هیچکدام از دو طرف ملزم نیست در صورتی که یکی از آنها مورد حمله قرار گرفته، وارد جنگ شود و تصور شرایطی که هر کدام از این دو دست به چنین کاری بزنند، دشوار است. این راهبردی بر پایه دو نیاز مشترک استوار است: مهمترین آن بعد نظامی - امنیتی و دومی اقتصادی است. از میان حدود بیست و چهار موافقت نامه که ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با هم امضا کرده اند، قراردادهای اصلی در بزرگترین همکاری و آموزش نظامی، همکاری دفاعی - صنعتی و یک قرارداد تجارت آزاد بوده است که همه در سال ۱۹۹۶ منعقد شدند. هر دو طرف از آنها منتفع شده اند:

اسرائیل برای آموزش خلبانهای خود در مأموریتهای دوربرد به قلمرو هوایی ترکیه دسترسی پیدا می کند، توانایی خود را برای جمع آوری اطلاعات از سوریه، عراق و ایران افزایش می دهد، بازار فروش اسلحه خود را گسترش می دهد، از انزوا منطقه ای خود می کاهد و خود را به عنوان شریکی برای کشورهای مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق مطرح می کند. اسرائیل چگونگی های اف اف ۴ و اف ۱۶ ترکیه را ارتقا داده و مطبوعات اسرائیل از تدوین قراردادهای نظامی دیگر خبر داده اند.

ترکیه دانش نظامی خود را از طریق آموزش مشترک و همکاری نزدیک با ارتش اسرائیل تقویت می کند، توانایی جمع آوری اطلاعات خود را از همسایگان محاصم و بافقو دشمن افزایش می دهد و مهمتر اینکه به منابع تسلیحاتی پیشرفته دست می یابد که طرفداران یونانی ها، ارمنی ها، کردها و حقوق بشر نمی توانند جلوی آن را بگیرند. آنکارا به همین دلیل نمی تواند به کشورهای اروپای غربی و آمریکا به عنوان منبع تسلیحاتی مطمئن نگاه کند. به علاوه ترکیه فکرمی کند روابط نزدیک با اسرائیل در طول زمان جایگاه آنان را نزد ننگره آمریکا بهبود خواهد بخشید.

که با اسرائیل و ترکیه هم مرز و همجا از جنبش جدایی طلب کرد ضد ترک شامل حزب خلق کرد (PKK) و سایر گروههای تروریستی ضد ترک حمایت کرده است. ترکیه توانست در اکتبر ۱۹۹۸ که دمشق زیر فشار تهدید حمله عبدالله اوجلان رهبر این حزب را اخراج کرد تا حد زیادی به این هدف دست یافت. تصور غالب بر این است که اسد رئیس جمهوری سوریه از آن بیم داشت که جنگ با ترکیه، اسرائیل را نیز وارد مناقشه کند و از این رو تصمیم گرفت تسلیم اوجلان مسیر عافانه تری است. در مورد بعد اقتصادی، حجم تجارت دو جانبه در سالهای دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت، به خصوص با موافقتنامه تجارت آزاد دو جانبه ۱۹۹۷. حجم تجارت که در سال ۱۹۸۹، ۹ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۹۹ به ۹۰۰ میلیون دلار افزایش یافت، یعنی ده برابر افزایش. در سال ۱۹۹۹، اسرائیل به صورت بزرگترین بازار صادراتی ترکیه در خاورمیانه درآمد. همچنین اسرائیل امکان خرید آب را از ترکیه برسی می کند.

ترکیه و اسرائیل عقاید متفاوتی درباره برخی موضوعهای مهم مربوط به امنیت منطقه دارند. ترکیه از عراق یکبارچه و دولت مرکز متقدر حمایت می کند و حتی حاضر بود صدام حسین چتر حکومت مرکزی خود را بر منطقه شمال بگستراند که عمدتاً شامل استانهای کردنشین است. اسرائیل عراق ضعیف، تجزیه شده و حتی ورشکسته را ترجیح می دهد که همه اینها نزد ترکیه مطلوب است. آنکارا از ظهور یک کشور کرد پیمانک است که اسرائیل در گذشته مشوق آن بود. اسرائیل به ایران به دیده تهدید وجودی می نگرد. ترکیه به رغم اختلافات ایدئولوژیک و روابط اغلب پر تنش با تهران، چنین دیدگاهی ندارد.

جنبه های نظامی و اقتصادی همکاری ترکیه - اسرائیل احتمالاً همچنان قوی خواهد ماند. در واقع مواضع چندان وجود ندارد. بیشتر انتقاد از جانب کشورهای مطرح شده که با ترکیه هم مرز هستند و بیش از سایرین به طور مستقیم تهدید را احساس می کنند، یعنی ایران، سوریه و قبال عراق شدت مخالفتهای منطقه ای و در میان کشورهای مسلمان مانند اقدام ایران در جریان نشست سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۷ در تهران، اغلب کمتر از آن است که نمایانده می شود. پیش بینی در این مورد که مناسبات ترکیه - اسرائیل منطقه را تجزیه می کند و باعث شکل گیری ضد ائتلافهای تهدیدکننده ای مثلاً بین یونان، ارمنستان، ایران یا سوریه می شود، محقق نشده است.

* مایهت این روابط محدودیتهایی دارد و زمینه هایی وجود دارد که انتظارات از طرف مقابل باید در حد مین باشد. هیچکدام از این دو در مورد مسائلی که آنها را از روند غالب جهانی جدا خواهد کرد، از دیگری دفاع نخواهد کرد. اسرائیل از سیاستهای ترکیه در مورد کردها حمایت نخواهد کرد و ترکیه از سیاست اسرائیل در ساخت شهرکها یا دیگر جنبه های جنجالی سیاست های اسرائیل در قبال فلسطینیان دفاع نخواهد کرد. دو طرف کلاً از یکدیگر در این موارد انتقاد نمی کنند یا اگر بکنند، به شکلی آرام است. در سالهای اخیر علاقه تشکیلهای یهودی آمریکا به ترکیه افزایش یافته است و هیاتهای یهودی اسرائیل دیدار رسمی از ترکیه داشته و اغلب با مقامات ارشد مذاکره کرده اند. با این حال در اینکه این امر به زودی به حمایت بیشتر از ترکیه بیانجامد، تردید وجود دارد، به خصوص از نظر فروش اسلحه. در طول زمان، اگر مناسبات ترکیه با اسرائیل دوام داشته باشد، احتمالاً تداعی معانی مثبتی را نزد اعضای طرفدار اسرائیل ننگره و مقامات قوه مجریه آمریکا بر جا خواهد گذاشت. به دلایل راهبردی، روابط با اسرائیل را ابتدائاً ارتش ترکیه آغاز کرد، نه رهبری غیرنظامی و این کار در پاسخ به احساسات مردمی نبود. با توجه به وجود احساسات اسلام گرایانه در ترکیه، احتمالاً اقلیت قابل توجهی از جمعیت ترکیه همواره منتقد روابط ترکیه و اسرائیل خواهند ماند. نقش اسرائیل در عملیات نجات پس از زمین لرزه سال ۱۹۹۹ در ترکیه باعث شد تا قدری نسبت به این رابطه پشتیبانی ایجاد شود. احساسات قابل توجه ضد عرب در دستگاههای ترکیه به حفظ مناسبات با اسرائیل کمک می کند.

ترکیه علاقه مند است بین اسرائیل و فلسطینیان قرارداد صلح امضا شود. چنین قراردادی مشروعیت روابط با اسرائیل را نزد اقتدار قابل توجهی از مردم که از فلسطینیان حمایت می کنند، تقویت خواهد کرد.

با این حال، ترکیه در مورد مسیر صلح بین اسرائیل و سوریه نگرانی هایی دارد. بازدارندگی در قبال سوریه، محور اصلی روابط ترکیه و اسرائیل بود. آنکارا نسبت به رفع عامل اسرائیل در مقام بازدارنده اقدامات سوریه علیه ترکیه نگران است. صلح بین اسرائیل و سوریه وضعیت موجود را در سوریه ضیف و متوزی و آنکارا از امنیت نسبی برخوردار است. به رغم خواهد زد. با وجودی که کوهی از تورپرسهها در ترکیه از زمان اخراج اوجلان، باعث دلگرمی زودی از بین برود، ترکیه به علاوه از این نگران است که اسرائیل با حمایت آمریکا این پشتیبان را مطرح کند که سوریه از دست دادن آب جویان را با رود فرات چیران کند. آنکارا این نگرانی را نیز دارد که سوریه صرفاً به دلیل قطع رابطه با تورپرسه های ضد اسرائیل و بدون اقدام مشابه در مورد سایر تورپرسه های ضد ترکیه، از فهرست کشورهای تروریست پرور وزارت خارجه آمریکا کنار گذاشته شود. از دیگر نگرانی های ترکیه این است که اسرائیل به سوریه اجازه دهد زیورهایش را به مرزهای شمالی آن انتقال دهد. روابط نزدیک با سوریه برقرار کند (همان طور که پس از اعضای قراردادی صلح مصر و اردن با اسرائیل با این کشورها رابطه نزدیک برقرار کرد) و اسرائیل روابط خود را با ترکیه به روابط با ترکیه ترجیح دهد.

روابط ترکیه با اسرائیل در سال ۲۰۰۰ استوار و چند وجهی بود. گمان می رود تلاشهای صلح سوریه با اسرائیل و ترکیه، تأثیری منفی در آن نگذارد.



اسرائیل - ترکیه: رابطه راهبردی یا ائتلاف موقتی؟

اسرائیل و ترکیه به دلایل راهبردی با هم همکاری می کنند و عنوان مناسب رابطه آنها «رابطه راهبردی «است نه» ائتلاف «هیچکدام از دو طرف ملزم نیست در صورتی که یکی از آنها مورد حمله قرار گرفته، وارد جنگ شود.

ترکیه و اسرائیل از سالهای دهه ۱۹۵۰ با هم روابط غیررسمی داشتند اما این رابطه در سالهای دهه ۱۹۹۰ بعد علنی و جدیدی پیدا کرد که فرماندهان نظامی آنها یک رشته تمرین ها و موافقت نامه های نظامی را شروع کردند. تا سال ۲۰۰۰ این رابطه گسترش یافت و شامل تمرینهای نظامی و آموزش مشترک، تولید مشترک سامانه های موشکی، ارتقای هواییهای آمریکایی، برقراری روابط نزدیک با اسرائیل اقدام جسورانه ای برای ترکیه بود. این اقدام آنکارا که مدتها از مواضع اعراب در مورد فرایند صلح حمایت می کرد، رنگ و بوی تغییر جانبداری عمده در فرایند صلح عرب - اسرائیل داشت. اما اینگونه نبود. موافقتنامه ۱۹۹۲ اسلو به خصوص به رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، این امکان را به آنکارا داد که بدون انتقاد از جانب ساف، رابطه با اسرائیل را پیگیری کند. سیاست علنی ترکیه در قبال فرایند صلح همچنان مبتنی بر طرفداری از فلسطینیان است. ترکیه در سال ۱۹۸۸ «کشور فلسطینی را به رسمیت شناخت اما هیچ نقش قابل توجهی در معادله اسرائیل - فلسطینیان ندارد. در این حال،

نزول رابطه آنکارا با جهان عرب و ایران گسترش مناسبات آن را با اسرائیل تسهیل کرد. اسرائیل و ترکیه به دلایل راهبردی با هم همکاری می کنند و عنوان مناسب رابطه آنها «رابطه راهبردی «است نه» ائتلاف «هیچکدام از دو طرف ملزم نیست در صورتی که یکی از آنها مورد حمله قرار گرفته، وارد جنگ شود و تصور شرایطی که هر کدام از این دو دست به چنین کاری بزنند، دشوار است. این راهبردی بر پایه دو نیاز مشترک استوار است: مهمترین آن بعد نظامی - امنیتی و دومی اقتصادی است. از میان حدود بیست و چهار موافقت نامه که ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با هم امضا کرده اند، قراردادهای اصلی در بزرگترین همکاری و آموزش نظامی، همکاری دفاعی - صنعتی و یک قرارداد تجارت آزاد بوده است که همه در سال ۱۹۹۶ منعقد شدند. هر دو طرف از آنها منتفع شده اند:

اسرائیل برای آموزش خلبانهای خود در مأموریتهای دوربرد به قلمرو هوایی ترکیه دسترسی پیدا می کند، توانایی خود را برای جمع آوری اطلاعات از سوریه، عراق و ایران افزایش می دهد، بازار فروش اسلحه خود را گسترش می دهد، از انزوا منطقه ای خود می کاهد و خود را به عنوان شریکی برای کشورهای مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق مطرح می کند. اسرائیل چگونگی های اف اف ۴ و اف ۱۶ ترکیه را ارتقا داده و مطبوعات اسرائیل از تدوین قراردادهای نظامی دیگر خبر داده اند.

ترکیه دانش نظامی خود را از طریق آموزش مشترک و همکاری نزدیک با ارتش اسرائیل تقویت می کند، توانایی جمع آوری اطلاعات خود را از همسایگان محاصم و بافقو دشمن افزایش می دهد و مهمتر اینکه به منابع تسلیحاتی پیشرفته دست می یابد که طرفداران یونانی ها، ارمنی ها، کردها و حقوق بشر نمی توانند جلوی آن را بگیرند. آنکارا به همین دلیل نمی تواند به کشورهای اروپای غربی و آمریکا به عنوان منبع تسلیحاتی مطمئن نگاه کند. به علاوه ترکیه فکرمی کند روابط نزدیک با اسرائیل در طول زمان جایگاه آنان را نزد ننگره آمریکا بهبود خواهد بخشید.

انگیزه ابتدایی آنکارا برای ایجاد روابط نزدیک با اسرائیل تقویت بازدارندگی آن در برابر سوریه بود که با اسرائیل و ترکیه هم مرز و همجا از جنبش جدایی طلب کرد ضد ترک شامل حزب خلق عافانه تری است. در مورد بعد اقتصادی، حجم تجارت دو جانبه در سالهای دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت، به خصوص با موافقتنامه تجارت آزاد دو جانبه ۱۹۹۷. حجم تجارت که در سال ۱۹۸۹، ۹ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۹۹ به ۹۰۰ میلیون دلار افزایش یافت، یعنی ده برابر افزایش. در سال ۱۹۹۹، اسرائیل به صورت بزرگترین بازار صادراتی ترکیه در خاورمیانه درآمد. همچنین اسرائیل امکان خرید آب را از ترکیه برسی می کند.

ترکیه و اسرائیل عقاید متفاوتی درباره برخی موضوعهای مهم مربوط به امنیت منطقه دارند. ترکیه از عراق یکبارچه و دولت مرکز متقدر حمایت می کند و حتی حاضر بود صدام حسین چتر حکومت مرکزی خود را بر منطقه شمال بگستراند که عمدتاً شامل استانهای کردنشین است. اسرائیل عراق ضعیف، تجزیه شده و حتی ورشکسته را ترجیح می دهد که همه اینها نزد ترکیه مطلوب است. آنکارا از ظهور یک کشور کرد پیمانک است که اسرائیل در گذشته مشوق آن بود. اسرائیل به ایران به دیده تهدید وجودی می نگرد. ترکیه به رغم اختلافات ایدئولوژیک و روابط اغلب پر تنش با تهران، چنین دیدگاهی ندارد.

جنبه های نظامی و اقتصادی همکاری ترکیه - اسرائیل احتمالاً همچنان قوی خواهد ماند. در واقع مواضع چندان وجود ندارد. بیشتر انتقاد از جانب کشورهای مطرح شده که با ترکیه هم مرز هستند و بیش از سایرین به طور مستقیم تهدید را احساس می کنند، یعنی ایران، سوریه و قبال عراق شدت مخالفتهای منطقه ای و در میان کشورهای مسلمان مانند اقدام ایران در جریان نشست سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۷ در تهران، اغلب کمتر از آن است که نمایانده می شود. پیش بینی در این مورد که مناسبات ترکیه - اسرائیل منطقه را تجزیه می کند و باعث شکل گیری ضد ائتلافهای تهدیدکننده ای مثلاً بین یونان، ارمنستان، ایران یا سوریه می شود، محقق نشده است.

* مایهت این روابط محدودیتهایی دارد و زمینه هایی وجود دارد که انتظارات از طرف مقابل باید در حد مین باشد. هیچکدام از این دو در مورد مسائلی که آنها را از روند غالب جهانی جدا خواهد کرد، از دیگری دفاع نخواهد کرد. اسرائیل از سیاستهای ترکیه در مورد کردها حمایت نخواهد کرد و ترکیه از سیاست اسرائیل در ساخت شهرکها یا دیگر جنبه های جنجالی سیاست های اسرائیل در قبال فلسطینیان دفاع نخواهد کرد. دو طرف کلاً از یکدیگر در این موارد انتقاد نمی کنند یا اگر بکنند، به شکلی آرام است. در سالهای اخیر علاقه تشکیلهای یهودی آمریکا به ترکیه افزایش یافته است و هیاتهای یهودی اسرائیل دیدار رسمی از ترکیه داشته و اغلب با مقامات ارشد مذاکره کرده اند. با این حال در اینکه این امر به زودی به حمایت بیشتر از ترکیه بیانجامد، تردید وجود دارد، به خصوص از نظر فروش اسلحه. در طول زمان، اگر مناسبات ترکیه با اسرائیل دوام داشته باشد، احتمالاً تداعی معانی مثبتی را نزد اعضای طرفدار اسرائیل ننگره و مقامات قوه مجریه آمریکا بر جا خواهد گذاشت. به دلایل راهبردی، روابط با اسرائیل را ابتدائاً ارتش ترکیه آغاز کرد، نه رهبری غیرنظامی و این کار در پاسخ به احساسات مردمی نبود. با توجه به وجود احساسات اسلام گرایانه در ترکیه، احتمالاً اقلیت قابل توجهی از جمعیت ترکیه همواره منتقد روابط ترکیه و اسرائیل خواهند ماند. نقش اسرائیل در عملیات نجات پس از زمین لرزه سال ۱۹۹۹ در ترکیه باعث شد تا قدری نسبت به این رابطه پشتیبانی ایجاد شود. احساسات قابل توجه ضد عرب در دستگاههای ترکیه به حفظ مناسبات با اسرائیل کمک می کند.

ترکیه علاقه مند است بین اسرائیل و فلسطینیان قرارداد صلح امضا شود. چنین قراردادی مشروعیت روابط با اسرائیل را نزد اقتدار قابل توجهی از مردم که از فلسطینیان حمایت می کنند، تقویت خواهد کرد.



سه سناریوی نفتی برای هزاره جدید

شیکه های ارتباطی بین صنایع گوناگون به تدریج شکل می گیرد. مایکروسافت می گوید بر آن است که «مدیریت اجرایی خانه هوشمند» را به دست گیرد. نرم افزار شرکت «مایکروسافت» هر چیزی را که به خانه شما وارد می شود، هدایت می کند. از گاز و برق گرفته تا تلویزیون و تلفن. «مایکروسافت» هم این خدمات را از طریق مافصله کاری به کاربرداران و عرضه کنندگان وگذار می کند. سرانجام نمایان رفتن، گاز و برق ناچیز خواهد شد. چون رقیبی جدید «انرژی مصرفی» را به منانه یک محصول از منابع متعددی تأمین و به مصرف کنندگان ارائه می دهد. مقایسه دیگری می توانید بکنید. شرکت «اسپرنت» اعلام کرده است که به زودی خدماتی ارائه می دهد که همه نیازهای مخابراتی از جمله صدا، ارتباطات راه دور، فیلم، اینترنت و انتقال داده های یک شرکت را از طریق اتمالی واحد و با استفاده از یک دستگاه تأمین می کند. به این ترتیب «اسپرنت» از یک عرضه فروش محصولات به سوی فروشندهی دستگاه های قوی مخابراتی گام می گذارد. اگر شرکت های نفتی مانند شرکت های «مایکروسافت» و «اسپرنت» باز و آزاد فکر نکنند، نقش آنان به حد عرضه کنندگان انبوه مواد نفتی با حاشیه سود کم تنزل خواهد کرد.

سناریوی سوم
حالا به تدریج سومین سناریوی می پردازیم. در این سناریوی فن آوری و مسایل محیط زیست باعث تغییرات شدیدی می شود. تغییراتی که عموماً بسیار سریع تر از آن چه تصور می شود رخ می دهد. در این دوره ما شاهد ماشین های خود راهبر می شود که از چند منبع نیرو، مانند باتری های یاخته های سوخت های سلولی بهره می گیرد. حتی ماشین هایی که فقط با هیدروژن خالص کار می کند. دوران جدیدی کی پیش خواهد آمد؟ وقتی که قیمت ها به سبب ازدیاد رایانه ها و با استفاده از ریز پردازنده ها تا به این حد پایین آمده است چنانچه ایجاد ساخت سوخت های سلولی از چنین موقعیتی بهره مند نشود؟ آیا در میان ما کسی هست که بخواهد در مقابل پیشرفت فن آوری شرمناک بندی کند؟
مدیر کل جنرال موتورز می گوید، هیچ شرکت تولیدی ماشین در سده بیست و یکم قادر به رشد و ترقی نخواهد بود، اگر تنها در این سده به تولید ماشین هایی با موتور احتراقی درونی بپردازد. رئیس کل شرکت تولید ماشین توپوتا می گوید که این شرکت به جز ارتقای سطح بازار خود، در ارائه فن آوری های نوین هم می کوشد. اقدامات شرکت یاد شده در این زمینه معرفی ماشین های بسیار پیشرفته است. این یک راهبرد تجاری ویژه ای است که غرور و بیجا و خودپسندی برخی افراد را نیز سوزان می برد. به هر حال شرکت هایی که توانمند فن آوری های نوین مورد نیاز را نداشتند شکست می خورند. آنگاه که بتوانند ماشین را با بارک کینید و سپس از سوخت سلولی آن بزی تولید برق خانه خود بهره ببرند، اقتصاد جهانی به ناچار دچار تغییر می شود. شیکه برق یک شهر بیشتر به اینترنت می ماند تا به یک رایانه قطع بزرگ (Main Frame) به واقع. اگر همه ماشین ها در ایالات متحده از سوخت سلولی بهره می بردند بیش از ۵ برابر پست های ذخیره، برق اضافی می داشتیم. امکان وقوع این امر در ایالات متحده تا زمانی که هر گالن بنزین یک دلار است و در دیگر کشورهای جهان هر گالن به پهای ۵ دلار می رسد، وجود ندارد. زیرا انگیزه های اقتصادی برای شرکت ها دارای ارزش فراوانی است. افزون بر این باید زیرساخت های تحول هم ایجاد شود.

نتیجه همه این تحولات، بازار بسیار پیچیده ای برای انرژی و مبادله محصولات است.

همساری با انرژی کشورهای در حال توسعه
ایا بسیاری این تغییرات آماده شده ایم؟ البته ما نمی دانیم که چه چیزی رخ خواهد داد. خوب، شما هم مجبور نیستید موارد خاص سناریوهای سه گانه را بدانید تا قبول کنید که فشارها و نیروهای نوین، محیطی فن آوری و اقتصادی زیادی در دنیا وجود دارد.

«پرتاند راسل» روزی گفت که «این کار درست است که گاهی در مقابل آن چه که مدت ها آنها را قرض مسلم گرفته ایم علامت نسالی قرار ندیم» به نظرم این برای ما که در صنعت نفت فعالیت می کنیم توصیه بسیار خوبی است. در «تاکو» واحدهای تجاری ما از سناریوهای سه گانه ارائه شده درباره آینده، در برنامه ریزی های راهبردی استفاده می کنند. در حالی که مراقب تغییرات بازار هم هستند ما باید خودمان را بیشتر با انرژی کشورهای در حال توسعه و نه فقط با اقتصاددانان همساز کنیم. ما باید بپذیریم که آنان باید به مقدار بیشتری بر سرزنش منابع طبیعی خود کنترل داشته باشند تا در حرکت به سوی رشد اقتصادی از آنها بهره ببرند. ما باید شرکت هایی داشته باشیم که بگویم بر رشد اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بیزنیم. رفتار شرکت های ما باید به گونه ای باشد که روشن کند پیشرفت آنها برای ما مهم است.

نوم این که ما با بازار نوآوری روبه رو هستیم که در مجموع به صورت جدید و متفاوت با مشتریان ما ارتباط دارد. صنعت ما مدت مدیدی است که فقط به کشف، استخراج و فروش نفت پرداخته است. تحقیقات نشان می دهد که در واقع مردم علاقه ای برای رفتن به پمپ بنزین ندارند این کار را بسیار شاق می دانند. حال با توجه به فن آوری های نوین که رخ می دهد، شرکتی که در طول مدتی که از معزازه ای خرید می کند، فروشندهی مانند «سبیز» مقدار سوخت ماشین شما را بررسی می کرد، بنزین مورد نیاز را تأمین و پول آن را از کارت اعتباری شما می برد چه تعداد در مردم، در این صورت به پمپ بنزین روی می آوردن و بنزین می زند؟ به نظرم، ما باید حتی مشتریان خودمان را به عنوان یک بازار جدید بپذیریم.

شبهه های جدید علمی

سومین و آخرین نکته این است که ما با بازار نوآوری در زمینه های سوخت های جایگزین، انرژی ها و خدمات روبه رو هستیم. باید کارخانه لوکوموتیو سازی «دالوین» را به یاد آوریم. این کارخانه گرچه بزرگ ترین کارخانه ساخت قطار بخار بود اما در سال ۱۹۳۹ روی کار آمدن موتور دیزلی را به مثابه یک رقیب جدی نگرفت و در سال های ۱۹۴۰ در آگهی های تبلیغاتی خود چنین گفت: «این بخار است که می ماند». اما امروز کارخانه «دالوین» دیگر وجود ندارد و این درسی است برای ما که چشم به آ آینده نمی گشاییم. اگر ما برآنیم که با موفقیت از دام شبهه های سنتی رها شویم و اکثر بپذیریم که این ایام آخرین روزهای شرکت های نفتی سنتی است، باید چشم اندازها، نگرش ها و مسیره های نوینی را برگزینیم. امروز، رایانه ها هستند که بر سرعت و قدرت می افزایند. رایانه ها نماد آینده هستند. قطعه ای از یک وسیله حفاری چاه نفتی در سال ۱۹۵۰ در تگزاس جنوبی به دست آمده که مقاوم تر و سخت تر از قطعه دو لایه رایانه ای نازک و پرتزقی و برقی امروزی است. گرچه امروز صنعت نفت از فن آوری رایانه ای استفاده می کند، اما سوخت من این است که چه قدر از افکار و رفتار ما با دوران حفاری چاه نفت به شبهه قدیمی ارتباط می یابد؟

صنعت امروز نشیوه کشف مکانهای نفتی را می شناسد. اما من بر این عقیده ام که ما نیاز به کشف شبهه های جدید فکری و علمی نیز داریم. زیرا این ذخایر است که در سال های آینده موفقیت ما را رقم می زند. روزی ترمیف شجاعت، کنار گذاشتن آن چه که به آن آشنا بودیم بود. حال که ما سده جدیدی روبه رو هستیم شرکت های نفتی جهان باید بپرسند، آیا ما چنین شجاعتی داریم؟



ارتش صدام و آمریکا

دوئلد راسفلد در نوزدهم و بیست و دومین سال ۱۹۸۳ با صدام دیدار داشت. راسفلد در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۸۴ درست روزی که سازمان ملل متحد گزارشی مبنی بر استفاده عراق از گاز خردل، ایپون و گاز اعصاب علیه ارتش ایران منتشر کرد. روز هم به عراق سفر کرد. در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۸۴ گزارش داد که دیدارهای صدام با آمریکا از این تستست بین عراق و آمریکا اعلام رضایت کردند و پیشنهاد کردند که روابط عادی و کامل و همه جانبه دیپلماتیک برقرار باشد فقط نامی آن از برده شود.

۱ - پنج شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ مطابق با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ارتش صدام به ایران حمله کرد
۲ - فوریه ۱۹۸۲، در رغم مخالفت کنگره ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا، عراق حمله را از سیاه کشورهای حامی تورپرس خارج کرد.
۳ - دسامبر ۱۹۸۲، فرود آمدن کویتر به عراق تحویل شد.
۴ - در سال بین ۸۸-۱۹۸۲ از اسلحه های گوناگون دفاعی آمریکا، رژیم صدام را به اطلاعات مربوط به تحرک جبهه ایران، طراحی عملیات جنگی، طراحی عملیات حملات هوایی و ارزیابی خسارت وارده هوایی مجهز کرد.
۵- نوامبر ۱۹۸۲، براساس دستورالعمل شورای امنیت ملی آمریکا، ایالات متحده باید به هر طریق ممکن (قانونی و غیرقانونی) مانع پیوستن ایران در جنگ با عراق شود.
۶ - نوامبر ۱۹۸۲، بانک ملی کار ایالات ششمه انلاناس خود در خاک آمریکا و با رضایت ضمنی دولت آمریکا مبلغ ۵ میلیارد دلار در اختیار صدام گذاشت. این پول برای خرید تجهیزات لازم برای ارتش عراق استفاده شد

۷ - اکتبر ۱۹۸۲، دولت آمریکا به اردن، عربستان سعودی، کویت و مصر اجازه داد، سلاح های آمریکایی شامل توپ های هویتزر، هلی کوپتر و بمب آمریکایی در اختیار عراق قرار دهند
۸ - نوامبر ۱۹۸۲، به جرج شولتز وزیر امور خارجه وقت آمریکا، رسماً اطلاع داده شد که ارتش عراق تقریباً هر روز از سلاح های شیمیایی بر ضد ایرانیان (نظامی و غیرنظامی) استفاده می کند.
۹ - دسامبر ۱۹۸۲، دوئلد راسفلد که در آن وقت یک غیر نظامی بود و حالا وزیر دفاع است، با صدام حسین دیدار کرد. در این دیدار او به صدام از دوستی و حمایت مادی آمریکا اطمینان داد.

۱۰ - جولای ۱۹۸۴، در این وقت CIA اطلاعات مورد نیاز را برای حمله شیمیایی با گاز خردل به نیروهای ایرانی را به عراق داد
۱۱- ژانویه ۱۹۸۴ یادداشت وزارت خارجه از حملات محموله «با استفاده دوگانه» صادرات سخت افزار و تکنولوژی توسط ایالات متحده تقدیر کرد. اقدام «استفاده دوگانه» اقدامی هستند که از آنها می توان هم استفاده نظامی و هم استفاده عادی کرد؛ مثل ماشین آلات سنگین، آمولانس های مجهز به تسلیحات، لوازم ارتباطی و تکنولوژی صنعتی که می تواند برای مقاصد نظامی هم مورد استفاده قرار گیرد.
۱۲ - مارس ۱۹۸۶ ایالات متحده به همراه بریتانیا جلوی تمامی نفتنامه هایی را که در آن شورای امنیت عراق را به خاطر استفاده از سلاح های شیمیایی محکوم کرده بود گرفت و در تاریخ ۲۱ همین ماه آمریکا تبدیل به تنها کشوری شد که از عرضه یابنده شورای امنیت مین می محرم کردن عراق به خاطر استفاده از سلاح های شیمیایی سرباز زد.
۱۳ - می ۱۹۸۶، وزارت بازرگانی ایالات متحده مجوز صادرات ۷۰ کالای قلم صادراتی بیولوژیک را بین ماه می ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ صادر کرد که حداقل شامل ۲۱ بسته حاوی باکتری سبزه و مخمر کننده بود.
۱۴ - می ۱۹۸۶، وزارت بازرگانی ایالات متحده حملات محموله ای شامل سلاح های ارتقا یافته جهت به کارگیری سوتولین را به عراق جهت استفاده در مقابله با ایران تأیید کرد.
۱۵ - اواخر ۱۹۸۷، نیروی هوایی عراق جهت سرکوب مقاومت کردستان در شمال عراق از عوامل شیمیایی استفاده کرد.

۱۶- فوریه ۱۹۸۸، صدام حسین مبارزه خود را با کربدهای شامل عراق آغاز کرد رژیم عراق از سلاح های شیمیایی جهت سرکوب کردها استفاده کرد و بالغ بر صد هزار شهروند را کشت و بیش از ۱۲۰۰۰ روستای کردنشین را نابود کرد.

۱۷- آوریل ۱۹۸۸، وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا حمل محموله شیمیایی جهت تهیه و ساخت گاز خردل به عراق را تأیید کرد.
۱۸ - اگوست ۱۹۸۸، چهار نبرد مهم از آوریل تا اگوست ۱۹۸۸ در گرفت که نیروهای عراقی به طور گسترده و مؤثر از سلاح های شیمیایی جهت شکست نیروهای ایرانی بهره گرفتند. در این نبردها گازهای اعصاب و خردل مورد استفاده قرار گرفت. در همین حین ارتش اطلاعاتی وزارت دفاع ایالات متحده به طور جدی درگیر فراهم کردن نقشه جنگ، گردآوری اطلاعات و گزارش پس از عملیات برای صدام حسین بود. در آخرین نبرد ۶۵۰۰ ایرانی کشته شدند بسیاری از آنها با گازهای سمی کشته شدند. استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ در تناقض با قراردادهای چهارگانه ژنو در سال ۱۹۲۵ است.

۱۹- اگوست ۱۹۸۸ عراق و ایران اعلام آتش بس دادند.
۲۰- اگوست ۱۹۸۸، تنها ۵ روز پس از اعلام آتش بس صدام حسین هوپماها و هلی کوپترهای ارتش عراق را جهت شروع حمله شیمیایی گسترده ای علیه کردها در شمال عراق فرستاد.

۲۱- سپتامبر ۱۹۸۸، وزارت بازرگانی ایالات متحده حمل محموله شامل سلاحهای ارتقا یافته جهت استفاده از باکتری سیاه زخم و سم بوتولینوم به عراق را تأیید کرد.

۲۲ - سپتامبر ۱۹۸۸، ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه ایالات متحده این گونه بیان کرد: «روایع آمریکا و عراقی برای مقاصد بلندمدت سیاسی و اقتصادی آمریکا مهم است».

۲۳- دسامبر ۱۹۸۸، شرکت شیمیایی (DOW)، انواعی از سموم کنسورزی به ارزش ۱/۵ میلیون دلار را به علم به این که اینها جهت بکارگیری در سلاحهای شیمیایی خریداری می شوند به عراق فروخت.

۲۴- جولای ۱۹۹۰، سفیر آمریکا در بغداد ضمن دیدار با صدام حسین به او اطمینان داد که رئیس جمهور آمریکا بوش خواستار روابطی بهتر و عمیق تر با عراقی است. بسیاری بر این باور هستند که این ملاقات نله ای برای صدام حسین بود. یک ماه بعد عراقی با فکر این که آمریکا عکس العملی نشان نخواهد داد به کویت تجاوز کرد.

۲۵ - اگوست ۱۹۹۰، عراق به کویت تجاوز کرد. این بهانه ای برای شروع جنگ خلیج فارس شد.

۲۶- جولای ۱۹۹۰، فاینشال تایمز «Financial Times» لندن از تولید و حمل محموله سیانید تروستا شرکتی شیمیایی در فلوریدای آمریکا به عراق در خلال دهه ۸۰. طریق CIA کرده برداشت. سیانید به طور مستقیم و گسترده علیه ایرانی استفاده شده بود.

۲۷- اگوست ۱۹۹۱، کریستوفر دروگول رئیس بانک ملی کار ایالات شمه اتلاننا به خاطر نقش او در فراهم کردن وام برای عراق جهت خریداری تسلیحات نظامی دستگیر شد. او منته به ۲۲۷ قهره جرم بود. دروگول نهایتاً مجرم شناخته شد. ولی مسئولان ایالات متحده طرح دعوی می گناهی کردند و اعلام داشتند که هیچ گونه اطلاعی از جرایم او نداشتند.

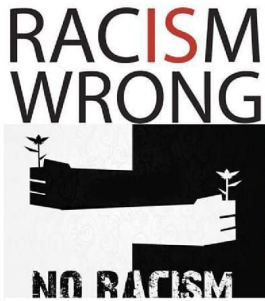
۲۸- جونو ۱۹۹۲، تد کویلت خبرنگار گزارشهای روی شب ABC گفت: این که جورج بوش پدر، کویلت نیت برده جنگ ۱۹۸۰ عراق علیه ایران بود و پیشنهاد و حمایت بسیاری از کمک های مالی، اطلاعاتی و نظامی هم توسط او صورت می گرفت تا صدام را در عراق تبدیل به یک قدرت مجاز و نهاجمی کند، به سرعت در حال آشکار شدن است.

۲۹- جولای ۱۹۹۲، دولت بوش خواسته و دانسته کمک به تجهیز عراقی به تسلیحات نظامی کرد. دولت بوش این کار را از طریق ارسال تکنولوژی به ارتش عراق و کارخانه های دفاعی عراق کرد. در طول دوران دولت بوش مجوز ارسال و حمل تکنولوژی آمریکا به صورت مستقیم به کارخانه های تسلیحاتی عراق (به رغم شواهد کافی که نشانگر این بود که این کارخانه ها از این تکنولوژی جهت ساخت اسلحه استفاده می کنند) به شرکت های آمریکایی و خارجی داده شد.

۳۰ - فوریه ۱۹۹۴، سناتور ریگل از ایالات متینگان و رئیس هیئت مدیره سنا در کمیته بانکنداری در مقابل سنا شهادت داد که فرستادن محموله ای موسوم به «استفاده دوگانه» به عراقی که شامل اقلام بیولوژیک و عوامل شیمیایی می شد که شاید علیه خود آمریکا در جنگ خلیج فارس استفاده شده باشد؛ احتمالاً دلیلی برای بیماری است که مشهور به سندرم جنگ خلیج فارس است.

۳۱- اگوست ۲۰۰۲، سرهنگ والنتر لینگ فسر ایالتی رتبه سابق اطلاعاتی وزارت دفاع ایالات متحده در مصاحبه ای با نیویورک تایمز گفت: استفاده از گاز در سده جنگ عراق - صدام حسین نبرد عسری ها اصلا یک عمل استراتژیک مهم برای ما نبود، ما در آن موقع فقط می خواستیم اطمینان حاصل کنیم که عراق شکست نخورد.





پیش بینی حوادث ۱۱ سپتامبر در قرآن

حادثه فرو ریختن دو ساختمان مرکز اقتصادی آمریکا که از بزرگترین ساختمان های جهان بودند توسط قرآن کریم در ۱۴۰۰ سال قبل پیش بینی شده است. این پیش بینی مربوط به کلمه ای است به نام (جرف هار) که هم اکنون به تفسیر آن می پردازیم:

ماه نهم میلادی ماه سپتامبر است و این کلمه نیز در سوره نهم قرآن کریم قرار دارد (سوره توبه) همانطور که میدانید این ۲ ساختمان ۱۰۹ طبقه بوده اند و این کلمه در آیه ۱۰۹ سوره توبه قرار دارد.

این سوره در جزء ۱۱ قرآن قرار دارد و این اتفاق در روز یازدهم سپتامبر انجام گرفته است.

این اتفاق در سال ۲۰۰۱ میلادی به وقوع پیوست و این کلمه نیز کلمه ۲۰۰۱ قرآن است.

این اعداد و ارقام را یک جوان ایرانی در آمریکا کشف کرده است.

و این هم ترجمه ای به:

ایا آنکه بنای خویش بر پرهیزگاری خدا و رضای او پایه نهاده بهتر است یا آن کسی که بنای خویش بر لب پرنگاه نهاده که فروریختنی است.

و همچنین در آیه ۱۱۰ آمده که: و ساختمانی را که بنا کرده اند همواره مایه اضطراب دلهای ایشان است تا وقتی که دلپایشان باره پاره شود و خداوند دانا و حکیم است.



تفقیح قوانین و مقررات گامی در تضمین اصل امنیت حقوقی

تغییر و تحولات حیات اجتماعی، پیدایش پدیده‌های نو و تنظیم روابط و حل و فصل معضلات ناشی از آنها موجب گسترش فرآیند قانون گذاری شده است. نتیجه این روند، رشد فزاینده انبوه قوانین و مقررات است که با تصویب و اجرای قوانین جدید، بسیاری از قوانین سابق از شمول اجرا خارج می‌شوند و تأثیر و قابلیت استناد خود را در تحولات و روابط جدید اجتماعی از دست می‌دهند و سبب می‌شوند تا با گذشت زمان، این موضوع پدیدار شود که قوانین خود می‌توانند مانع تنظیم روابط شوند و به هدف خود یعنی ایجاد نظم نرسند. بنابراین قانون گذار یا به صراحت اقدام به نسخ آنها کرده، یا با وضع قانون جدید قوانین مزبور را ضمنی نسخ می‌کند، یا عملاً بدون آنکه اقدامی در خصوص این قوانین صورت گیرد، در مجموعه‌های قانونی مدفون و متروک می‌شوند.

دستاورد این رویکرد، پیدایش معضلات و دشواری‌هایی مانند تورم قوانین، قانون گذاری پراکنده، پیچیدگی و ابهام در قوانین و... است. تفقیح قوانین و مقررات، به معنای به‌روز رسانی، پالایش و گردآوری مجموعه قوانین در قالب و کد های موضوعی مشخص، برای تشخیص قوانین حاکم و لازم‌الاجرایه از میان قوانین منسوخ، متروک، مجمل، مبهم و... به‌منظور سهولت دسترسی مخاطبان، مقابله با تورم، پراکندگی، ابهام و پیچیدگی قوانین و دستیابی به اصولی مانند اصل شفافیت، اصل امنیت قضایی، اصل انسجام قوانین و... است.

از مهمترین این دستاوردها، اصل امنیت حقوقی است؛ این اصل که از ملزومات اصل حاکمیت قانون است، امروزه از اصول اساسی حاکم بر نظام‌های حقوقی مطرح دنیاست. مقتضای این اصل آن است که در یک نظام حقوقی تصمیمات و اقدامات دولتی قابل پیش‌بینی و قابل اتکا باشد، به گونه‌ای که مردم بتوانند با اطمینان خاطر و با اعتماد به آنها امور زندگی خود را برنامه‌ریزی کنند و تعامل مبتنی بر اعتماد میان شهروندان و حاکمیت و نمایندگان آن که نهادهای سازمان‌های عمومی و اجرایی‌اند، برقرار شود. عدم حاکمیت این اصل در روابط مردم و دولت می‌تواند به بروز هرج و مرج و خودسری در جامعه منجر شود. لازمه تحقق اصل امنیت حقوقی، انتشار قوانین، سهولت دسترسی به آنها، انسجام قوانین، شفافیت قوانین و به دور از هر گونه ابهام، تشکیک و قابل فهم بودن قوانین و مقررات است که در سایه تفقیح قابل تحقق خواهد بود. تفقیح قوانین این امکان را فراهم می‌آورد تا نظام سازمان‌یافته‌ای از قوانین ایجاد شود و به واسطه آن مجریان، قضات و شهروندان بتوانند به آسانی و با صرف کمترین زمان و کمترین هزینه قوانین معتبر و لازم‌الاجرای مملکت عمل را بیابند و از امنیت و اطمینان خاطر در تضمین حقوق خود برخوردار باشند.

منبع: امین یاشامیری و دکتر خیرالله پروین و رضا فرامرز

پارلمان علیه رسیسیسم

در تاریخ ۱۵ بهمن ۹۹ قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی* به تصویب نهایی دستگاه تقنینی کشور رسید و در اقدامی اگر چه با تأخیر ولی قابل تقدیر توهین به اقوام و ادیان مصرح در قانون اساسی را جرم انگاری نموده و مرتکبین را مشمول حبس و جزای نقدی مندرج در درجات ۶ و ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات نمود ولو این توهین به قصد ایجاد تنش و خشونت نبوده باشد. این رویکرد صحیح در سیاست کفخی می‌تواند گام محکمی در جهت رفع پدیده ننگین نژادپرستی (racism) و خود برتر بینی های قوم‌قبیله ای باشد. پدیده نژادپرستی از دیر باز بستر جنگ های متعدد بوده و شاهد هستیم این گرایش افراطی در بعضی موارد سکن اداره دولت ها را در دست گرفته اند و منشا تحولات مخرب بسیاری بوده اند. از این رو احترام به اقوام و نژاد های مختلف در اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفته و از تاکیدات مهم حقوق شهروندی قلمداد می‌گردد.

احترام به اقوام و نژاد ها در آیین حقوق شهروندی

برقراری یک رابطه با اعضای جامعه به مثابه یک کل به هم وابسته، مستلزم پیدایی مفهوم شهروندی مسئولانه است. شهروندان در جامعه مدنی قانونی طی یک قرارداد اجتماعی تحت عنوان قانون اساسی حقوق و تکالیفی را برای خود و نظام سیاسی حاکم تعیین و تبیین می‌نمایند و همه آحاد در برابر آن مساوی قلمداد می‌شوند. پدیده نژادپرستی دقیقاً بر خلاف اصل مترقی «تساوی همگانی در برابر قانون» است چرا که در نژادپرستی ما شاهد این واقعه هستیم که به دلیل تفاوت نژادی نگاهی متفاوتی به گروهی از شهروندان شکل می‌گیرد و به تعبیر بند ۹ اصل ۳ از مصادیق تبعیض ناروا محسوب می‌گردد. محبت دیگری که باید اشاره کرد این است که توهین به اقوام و نژاد های مختلف نافعی «کرامت انسانی-ذاتی انسان» است، بشر فارغ از هرگونه دسته بندی به صرف آن که انسان است مورد احترام و داری بزرگی و کرامت است و نباید به دلیلی که خود نقشی در آن نداشته‌اند (نژاد) مورد اهانت و تبعیض قرار گیرد. بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی به کرامت و ارزش والا ای انسان اشاره داشته است و آن را از پایه های نظام میدانند. پس در اینجا بی‌بدان بردیم که توهین به اقوام، معایر است با اصل تساوی همگان در برابر قانون و کرامت انسانی-ذاتی انسان است.

تبعیض و تحقیر نژادی در پرتو اندیشه اسلامی

قرآن حکیم در آیه ۱۴ سوره حجرات اشعار می‌دارد که فلسفه وجودی قبائل و گروه های مختلف، آشنایی سنت ها و رسوم مختلف است تا انسان بتواند از دید بسته به یک نگاه وسیع عزیمت نماید و تنها مستمسک برای تبعیض نه نژاد، رنگ، زبان، جنسیت و مانند این ها بلکه خودسازی افراد است. اصل ۱۹ قانون اساسی که در فصل حقوق ملت(شهروندی) جای گرفته اتکا به این نگاه تمدن ساز دارد. برای عمق بخشیدن به این نوع درک از انسان به فرآزی از سخن علی ابن ابیطالب اشاره می‌کنم که به گمان نگارنده اوج حرمت فائل شدن به انسان به مثابه یک موجود اجتماعی و آزاد است؛ ایشان در حکم انتصاب استانداری مالک اشتر چنین اشعار فرمودند:(الناس صنفان، آخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق؛ انسان دو نوع هستند؛ یا تو هستی و یا همچون تو انسان). در این تقسیم بندی همه محترم شمرده شدند و دولت موظف به رعایت حقوق آنان و مقابله با پدیده هایی است که در صدد تضعیف حقوق شهروندی آنان است.

پدیده توهین و تحقیر اقوام و مصلحت عمومی

به ادعای اکثریت حقوقدانان حقوق عمومی ریشه ای ترین و عمیق ترین اصل از سلسله اصول حقوق عمومی و حتی شاید فلسفه وجودی آن «مصلحت و یا منفعت عمومی» باشد که با اصطلاحاتی همچون مصالح کشور و منافع ملی رابطه مناسبتی تنگاتنگ دارد. این بخش مختص شرایط ایران است. ایران عزیز به واسطه تاریخ بلند و طولای خود میزبان اقوام و نژاد های مختلف بوده و اکنون یکی از رنگارنگ ترین کشور ها از منظر تمدد اقوام و نژاد است. این مسئله اگر چه خود یک فرصت اما می‌تواند به نوعی امنیت ملی را به مخاطره افکند. توهین به اقوام در چین شرایطی طمعا باید جرم انگاری می‌شد چرا که می‌تواند باعث التهاب اقوام مختلف در سراسر کشور شود و امنیت ملی که در اصل ۱۷۶ قانون اساسی مورد توجه قانونگذار اساسی بوده را به ورطه سقوط بکشاند و در نهایت مصلحت عمومی مخدوش گردد. پس اقدام پارلمان در الحاق این دو ماده می‌تواند متضمن منفعت عمومی گردد.

سخن غائی:

اقدام مجلس شورای اسلامی در الحاق این دو ماده به بخش تزییرات قانون مجازات اسلامی قابل تقدیر است اگرچه باید مدت ها قبل این عمل صورت می‌پذیرفت.

منبع: سیدمحمدمولاهویزه





دیپلماسی عمومی و رابطه مستقیم با جنگ نرم

نقش دیپلماسی عمومی در جنگ نرم براندازی در سکوت
دیپلماسی عمومی افزون بر تصحیح و اصلاح وجهه کشوری در میان مخاطبان، می تواند با افکارسازای ملتی را نیز علیه نظام خود بشنوراند و جایگزین کودتا و یا اشغال نظامی شود.

دیپلماسی عمومی یا مردمی، سازوکاری است که در دوره های اخیر از نظریه به تاریخ وارد و در بسیاری از کشورهای جهان عملیاتی شده و بخشی از تاریخ سیاسی و دیپلماسی کشورها را تشکیل داده است؛ زیرا دیپلماسی رسمی هرچند که کارایی بسیاری در بیان قدرت و ایجاد تفاهم در میان دولت ها ایفا می کند ولی همراهی افکار عمومی و ملت ها را به دنبال ندارد. از این روست که دیپلماسی عمومی به عنوان مکمل به کار گرفته می شود تا افکار عمومی ملت ها را نسبت به کشوری تغییر داده و مثبت سازند.

در حقیقت دیپلماسی عمومی یا مردمی، آن بخش از دیپلماسی است که فراتر از سطح مناسبان دولت یا دولت می باشد و هدف آن تأثیرگذاری بر ذهن سازان و تصمیم گیران اصلی دیگر جوامع و کشورها از طریق انتقال پیام های کلیدی در خصوص وجه مثبت یک کشور است.

به سخن دیگر، دیپلماسی عمومی به معنای «تلاش های یک دولت برای درک، ارتباط و نفوذ در افکار عمومی کشورهای هدف در جهت تحکیم منافع ملی آن کشور» به کار برده می شود.

در این روش، چهره کشور و ملتی به گونه ای تبلیغ می شود که احتمال جذب، سرمایه، دانشجو و گردشگر را تقویت و کمک کند و در نهایت به ارتقای نفوذ و جایگاه خارجی و بین المللی و نیز سیطره دامنه نفوذ یا ایجاد دوستان موثر در بلند مدت بینجامد. زیرا بارها این پیامد اثبات شده است که «قدرت نرم می تواند تأثیرات سختی داشته باشد» و مبادلات جهانی را تغییر دهد.

در اجزای این راهبرد بازسازی وجه مثبت کشوری، مهم ترین ابزارها، فن آوری و دانشی است که در نهایت به تغییر در نگرش مردم جهان نسبت به کشور و ملتی بینجامد و ناخودآگاه به یکی از سیاستمداران و فعالان بی مزد و مواجب کشور تبدیل گردد و دامنه نفوذ آن را تا کجوه و خیابان امتداد دهد.

دیپلماسی عمومی از طریق افکارسازای می گوشت تا قدرت رقابت کشوری را در صحنه بین المللی افزایش دهد، زیرا این افکار عمومی است که جهان قدرت را می سازد و آن را هدایت و رهبری می کند. بنابراین تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملت ها به معنای قدرت بی تر و نفوذ بی هزینه تر و سود بیش تر می باشد. هر کشوری می گوشت تا دامنه قدرت و نفوذ خویش را افزایش دهد و نقش خود را در مجامع بین المللی و جهانی استوار سازد. در این میان همدلی و همراهی ملت های دیگر با اندیشه ها و سیاست های دولتی می تواند به معنای نفوذ و قدرت بیش تر باشد. بنابراین دولت با همراهی در کشورهای دیگر می تواند مقاصد خود را پیش برد بی آن که هزینه ای بپردازد.

پولتنس شکرخواه در تحلیلی درباره عملیات روانی و دیپلماسی رسانه ای، به دیپلماسی عمومی نیز اشاره کرده و درباره آن از منابع خارجی می نویسد: دیپلماسی عمومی (Diplomacy Public) در فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین الملل که در سال ۱۹۸۵ توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شده این چنین تعریف شده است:

«دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.» (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۵).

هانس آن تاج نویسنده کتاب ارتباط برقرار کردن با جهان در سال ۱۹۹۰ در تعریف دیپلماسی عمومی چنین نوشته است: «تلاشهای رسمی دولت برای شکل دادن به محیط ارتباطی در کشوری خارجی ای که در آنها سیاست های آمریکا اجرا می شود، تا بدین وسیله از میزان تأثیرات منفی، سوء تعبیرها و سوء تفاهمها در زمینه روابط میان آمریکا و کشورهای دیگر کاسته شود.»

هیئت مأمور برنامه ریزی ادغام در وزارت خارجه آمریکا نیز در سال ۱۹۹۵، دیپلماسی عمومی را این گونه تعریف می کند: «دیپلماسی عمومی می گوشت منافع ملی ایالات متحده را از طریق مفاهیم، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی ارتقا دهد.» سازمان اطلاعاتی ایالات متحده هم که بیش از چهل سال به صورت تخصصی در زمینه دیپلماسی عمومی فعالیت کرده است، معتقد است: «دیپلماسی عمومی به دنبال آن است که منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده را از طریق شناخت، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفت و گو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی و همپایان خارجی آنها ارتقا دهد» (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۶).

میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سنتی تفاوت های جدی وجود دارد؛ دیپلماسی عمومی صرفاً با دولتها سروکار ندارد، بلکه مخاطب خود را در میان افراد و سازمان های غیرحکومتی می جوید. از سوی دیگر گفته می شود فعالیت های دیپلماسی عمومی می تواند معرف دیدگاههای متفاوتی باشد که از سوی افراد و سازمان های خصوصی یک کشور مثل آمریکا علاوه بر نظرات دولت آمریکا مطرح اند، درحالی که دیپلماسی سنتی با روابط یک دولت با دولت دیگر مرتبط است و مقامات سفارت یک کشور دیگر، معرف آن کشور به شمار می روند در صورتی که دیپلماسی عمومی متضمن مشارکت بسیاری از عناصر غیردولتی جامعه است (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۷ و ۸). به مفهوم دیگر تفاوت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی در ۱- غیر رسمی بودن ۲- مشخص نبودن هدف ۳- فراگیرتر بودن مخاطبان ۴- تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی است.

فعالیت های اطلاع رسانی و برنامه های دیپلماسی عمومی آمریکا به اشکال مختلفی صورت می گیرد که اهم آنها به شرح ذیل است: الف- فعالیت های اطلاع رسانی ۳- فعالیت های بی سیم مانند ماهواره ۴- سخنرانی و کارشناسی ۵- متخصصان مقیم ۶- برنامه کنفرانس از راه دور ۷- چاپ و نشر ۸- مراکز مطالعاتی خارجی ۹- مرکز کتاب و منابع اطلاعاتی ۱۰- برنامه های رادیو تلویزیونی بین المللی ب. مبادلات آموزش فرهنگی: ۱- برنامه تبادل دانشجو، استاد و پژوهشگر ۲- مبادلات آکادمیک ۳- مطالعات ایالات متحده، کمک به تأسیس و حفظ کیفیت برنامه های مطالعاتی زیرساز آمریکا در دانشگاه های خارجی ۴- آموزش زبان انگلیسی ۵- دیدارهای بین المللی ۶- تورهای خبرنگاری بین المللی ۷- صدای آمریکا ۸- خبرنگاری های وابسته به صدای آمریکا ۹- خدمات فیلم و تلویزیونی های بین المللی ۱۰- رادیو مارتی و تلویزیون مارتی

۵- رادیو آزادی (سیلان ۱۳۸۲) ش و ۱۰۲۲۷ ع. (نقش دیپلماسی عمومی در جنگ نرم

دیپلماسی عمومی کارکردهای مهمی در جهان سیاست امروز بازی می کند. به این معنا که تنها هدف بازسازی وجه مثبت کشوری در میان مخاطبان نیست بلکه در برخی از موارد می توان حتی با دیپلماسی عمومی و مردمی، ملتی را شغول و حاکم و دولت خود شنوراند و آنان را همراه سیاست های کلان و حتی خرد خود کرد. این گونه است که ملتی تحت تأثیر دیپلماسی عمومی، خواهان هماهنگی دولت با دولت دیگری می شود که این گونه در میان مردم و ملت محبوبیت یافته است.

برای دست یابی به این مهم، دادن بورسیه های دانشجویی به نخبگان کشورها، ایجاد انجمن های فعال دانشجویی برای مدیریت دانشگاه ها، راه اندازی رسانه های برای کشورهای هدف و مخاطب با نشان دادن جنبه های مثبت کشور و مانند آن می توان یک دیپلماسی عمومی فعال را پدید آورد.

در دیپلماسی عمومی و مردمی، انتقال پیام های صحیح به مردم مرتبط آن هم به طریق مناسب، می بایست به گونه ای انجام شود تا مثبت اندیشی در خصوص ارزش ها و کیفیات ملت و دولت در هسته پیام ها تعبیه گردد. به نظر می رسد که دیپلماسی عمومی بریتانیا درباره ایران از طریق رسانه های چون بی بی سی فارسی و بورسیه دادن به نخبگان و ایجاد انجمن های دوستی مرتبط، تا اندازه موثر بوده است؛ گونه ای که بسیاری از مردم مرفه و غرب زده شمال شهر تهران، همانند انگلیسی ها می اندیشند، غذا می خورند، جشن می گیرند، سیاست می ورزند و به سیاست های انگلیسی عمل میکنند .

دیپلماسی مردمی انگلیس موفق شد تا بریتانیا را سرزمین آزادی های و مردم سالاری معرفی کند و پیشینه آن را تصحیح کند و نشان دهد که حقوق اقلیت ها در آن مراعات می شود و اقلیت های مذهبی و نژادی از همه حقوق خود برخوردار می باشند. بریتانیا کشوری آزاد، منعطف و مطلوب برای زندگی است و ایران می بایست در سیاست و زندگی به این سمت گرایش یابد. این گونه است که انجمن های ایرانی در بریتانیا خواسته این وجه مثبت زندگی بریتانیایی را تبلیغ می کند و همراهانشان در ایران آن را در خیابان ها و کوچه ها می برند.

البته دیپلماسی عمومی افزون بر تصحیح و اصلاح وجهه کشوری در میان مخاطبان، می تواند با افکارسازای ملتی را نیز علیه نظام خود بشنوراند و جایگزین کودتا و یا اشغال نظامی شود؛ از این روست که از سوی ایالات متحده و دیگر کشورهای متخاصم غربی از جمله انگلیس و فرانسه و دولت صهیونیستی، بهره برداری از ابزارهای «دیپلماسی عمومی» در جهت تحقق «براندازی در سکوت»

یا «براندازی نرم» به عنوان یکی از اولویت های راهبرد دفاعی امنیتی خود، در ارتباط با ایران، تعریف کرده و گسترش محیط های مجازی تهدیدها را با سایر راه در دستور کار خود قرار داده است.

در این روش، بدین ساختن جامعه به کارگزاران نظام، بحران سازی از طریق ایجاد تنش های داخلی، بالا بردن سطح انتظارات جامعه و تخصیص بودجه لازم برای گسترش رادیوهای موج کوتاه، شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و خبرگزاری های اینترنتی مخالف نظام را راهبردهای آمریکا در دیپلماسی تهاجمی علیه ایران نام برده می شود. هدف آمریکا از بهره گیری دیپلماسی عمومی در جنگ نرم، وادار کردن کارگزاران نظام به امتیازدهی در عرصه های سیاسی- امنیتی، تضعیف انسجام فکری- رویه ای کارگزاران نظام و ایجاد شکاف میان سطوح جامعه و حاکمیت می باشد. در این روش، دیپلماسی نرم، عمومی و یا همان سایر دیپلماسی در واقع بخشی از بدنه دولت الکترونیک و ساختار دولت مجازی است که این بخش خود مستلزم تقویت بخش «فناوری ارتباطات و اطلاعات» است که آمریکا با انگلیسی ها و اسرائیلی ها به خوبی از آن در جنگ نرمی که در زمان انتخابات دهم ریاست جمهوری اتفاق افتاده بهره بردند.

در گزارش مرکز پژوهش های مجلس از توسعه اطلاع رسانی دیجیتال، اقدامات مثبت مجلس شورای اسلامی و دولت از طریق وب، ارتقای ضریب نفوذ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در رسانه های خارجی و توسعه بدنه دولت الکترونیک در حوزه های بین المللی به عنوان بعضی از مزایای گسترش «سایبر دیپلماسی» در حوزه سیاست خارجی نام برده شده و آمده است: امروزه بهینه سازی و مدیریت افکار عمومی به یکی از ابزارهای حاکمیت برای تسهیل و تسریع در دستیابی به اهداف سیاسی- امنیتی تبدیل شده است چرا که در دیپلماسی نوین «مدیریت افکار عمومی» جایگاه مهمی دارد و کمکش ها از طریق جریان دیجیتالی اطلاعات رصد می شود و در این راستا توجه به افزایش عمق نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از طریق محیط های مجازی مانند سایر دیپلماسی بسیار مهم است.

در پایان می توان گفت توجه به اینکه گفتار سازای، تصویرسازی و اقتاع دیگران در سیاست خارجی جایگاه تأثیرگذاری یافته است، به همین دلیل نقش رسانه ها در پردازش و اقتاع دیگران بسیار مهم تر از گذشته شده است.

به هر حال، به نظر می رسد که در جنگ نرم انگلیسی ها حتی قوی تر و عملیاتی تر از آمریکایی ها وارد شده اند و زیرکی خود را در این حوزه نیز به نمایش گذاشتند؛ زیرا همواره خانه رویه مکانی برای فریب بوده است و رویه جز از مکر و فریب نمی تواند بر شیران روزگار چیره شده و بر آنان حکومت کند. انگلیس بی گمان بر پایه دیپلماسی مردمی، روهایی زیرک و مکاری است که دست شیطان بزرگ را نیز از پشت بسته است.

منبع: روزنامه کیهان





مدیر مسئول و صاحب امتیاز: مهندس مهدی کیان
 سردبیر: مهندس مهدی کیان
 شماره مجوز: ۸۳۵۸۳
 وبسایت نشریه: www.panahemardom.ir
 طراحی نشریه: گرافیت محمد رضا عباسی
 نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس، وفادار شرقی،
 بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی، کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱
 شماره‌های تماس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۴۴۸ - ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳
 فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

نشریه پنام مردم را در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت www.jaara.com

پیشگویی از پیران
 چراغ آموخته‌ام که مردم فراموش خواهند کرد شما چه گفتید...
 فراموش خواهند کرد چه کردید...
 اما هرگز فراموش نمی‌کنند که چه حرفی به آنها مشتاق کردید.
 مایا آنجلو



مطالعه تطبیقی مدیریت عالی قوه قضاییه در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا

رفع خصومت و برقراری عدالت مورد توجه ادیان از جمله دین مبین اسلام بوده است تا جایی که در اسلام یکی از وظایف پیامبران حکم به حق و عدالت بوده است. از طرفی از دیرباز پیش‌بینی قوه قضاییه و نهاد دادرسی مورد توجه اندیشمندان هم بوده است، به نحوی که برخی بر این اعتقادند که ریشه‌های ایجاد قوه سوم به نام قوه قضاییه را باید در کتاب سیاست ارسطو یافت. ارسطو در این کتاب به لزوم وجود دادگاه‌ها اشاره دارد؛ اختلاف حاصله بین مردم را حل و فصل کرده و مرتکبان جرائم را محاکمه و مجازات می‌کنند. پیش‌بینی قوه قضاییه به شکل امروزی را باید در عصر روشنگری جست‌وجو کرد که منتسکوی در دسته‌بندی قوای حاکم، برای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت، قوه قضاییه را پیشنهاد می‌دهد. لزوم حفظ استقلال قضایی به لحاظ نهادی و ساختاری از ابتدا مورد توجه بوده و از همین رو منتسکوی تصریح کرده است که چنانچه قوه قضاییه به قوه مقننه بپیوندد، زندگی و آزادی فرد در معرض نظارت خودسرانه قرار خواهد گرفت، زیرا در این وضع قاضی خود قانون‌گذار نیز هست. اگر قوه قضاییه به قوه مجریه ملحق شود، ممکن است قاضی از خود شدت عمل نشان دهد و به حق افراد تجاوز کند. از این رو ساختار و تشکیلات قوه قضاییه، ارتباط آن با سایر قوه، نحوه اداره کلان و مدیریت سطوح عالی قوه قضاییه، از جمله مؤلفه‌های اساسی در تضمین استقلال قوه قضاییه است.

با تشکیل قوه قضاییه، محاکم دادگستری اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن نظام قضایی هر کشوری به شمار می‌روند، اما این محاکم برای ارائه مناسب خدمات قضایی به پشتیبانی‌های اداری، مالی و بودجه‌ای و اجرایی نیازمندند. نهادی که در کشورهای مختلف این خدمات را در اختیار دادگاه‌ها قرار می‌دهد و وظیفه اداره قوه قضاییه را بر عهده دارد، متفاوت است. با توجه به تنوع روش‌ها و ساختارهای مدیریت عالی قضایی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این پژوهش پس از بررسی مفهوم مدیریت قضایی با روش توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی روش‌های مدیریت عالی قوه قضاییه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌پردازد تا ابعاد و شیوه‌های مختلف مدیریت عالی قوه قضاییه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و رویه این اتحادیه در مواجهه با این الگوهای متفاوت مدیریتی تبیین شود.

در بخش دوم نیز سیر تطور و تحول مدیریت دستگاه قضایی از مدیریت شورایی تا تمرکز مدیریت در قوه قضاییه تحلیل و بررسی شده است. ضمن اینکه که تا کنون مطالعه تطبیقی در خصوص مدل‌های مدیریت عالی قوه قضاییه در اتحادیه اروپا با رویکرد انتقادی و تشریح سیر تحولات مدیریت عالی و تغییرات ساختار قوه قضاییه در نظام حقوقی ایران انجام نگرفته

منبع: دکتر خیرالله پروین و دکتر ولی الله حیدر نژاد



- سنت اینکس عروس و داماد اولین برش از کیک عروسی را در دهان هم می‌گذارند، ریشه در روم باستان دارد. آنان یکی شدن و تعهد به یکدیگر را از طریق به اشتراک گذاشتن اولین خوراکشان نشان میدادند!
 - مرده‌ها بیشتر از زنده‌ها گل دریافت میکنند چونکه افسوس قوی تر از قدر شناسی است!
 - ارسطو می‌گه: آنچه‌ان که تاریخ به ما می‌آموزد ستمگران همیشه در آغاز رهبرانی مردم فریب بوده‌اند که با ناسزا گویی به اعیان، نزد عوام قدر و احترامی یافته‌اند!!!
 - هرگاه قصد شوخی دارم، حقیقت را بیسان می‌کنم. این بزرگترین شوخی جهان است. برنارد شاو
 - گرسنگی روح انسان را هو خورده و خصلت‌های بشری رو محو کرده.
 - مردم زندگی نمی‌کنن بلکه در فلاکت و بدبختی می‌پوسن، و مقامات حاکمه کاملاً کشیک میدن. مثل کلاغ در کمینند تا ببینن مردم لقمه ای نون زیادی دارن یا نه!
 - به محض اینکه یک لقمه ی زیادی دیدن، اونو از صاحبش می‌گیرن و به او کتسیده ای هم میزنن!
 - خیام میخواست این دنیای مسخره پست غم انگیز و مضحک را از هم بپاشد و یک دنیای منطقی تری روی خرابه آن بنا کند:
- گر بر فلک دست بدی چون یزدان برداشتمی من این فلک را زمین!
 به دام تعصب نیفتید که این زندگی با نتایج تفکر دیگران است، اجازه ندهید سر و صدای عقاید دیگران صدای درون شما را خفه کند!!!
- با دین یا بدون آن انسان‌های خوب، کارهای خوب میکنند و انسان‌های شورو کارهای شورو! اما برای اینکه انسان‌های به ظاهر خوب کارهای شورو بکنند، به دین نیاز دارند
 - تحقیقات علمی بر روی این پایه استوار است که همه اتفاقاتی که می‌افتند معین شده توسط قوانین طبیعت هستند و این در مورد اعمال مردم نیز صادق است. به همین دلیل است که یک محقق علمی به سختی می‌تواند تمایل به این عقیده داشته باشد که اتفاق‌ها را میتوان یا دعا خواندن تحت تاثیر قرار داد، مثلاً با آرزو کردن و تمنا کردن از یک موجود ماورای طبیعت بتوان به تغییری دست یافت.

